

رهبر انقلاب در پیامی به سی و سومین اجلاس سراسری نماز تأکید کردند

نهادینه و فراگیر شدن نماز؛ لازمه رسیدن به جامعه اسلامی

رهبری

سی و سومین اجلاس سراسری نماز، صبح روز پنجشنبه هفته گذشته با پیام رهبر انقلاب اسلامی در جوار حرم رضوی (ع) آغاز به کار کرد. آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای در پیام خود به این اجلاس، اقامه نماز را اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان خواندند و با اشاره به اینکه لازمه رسیدن به مرحله جامعه اسلامی اقامه نماز و نهادینه و فراگیر شدن آن است، تأکید کردند: خانواده‌ها، «معلمان و اساتید»، نخبگان، چهره‌های مشهور و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز مسئولیت مضاعفی برای اقامه نماز در جامعه دارند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

توجه به امر والی «اقامه نماز» و به‌صورت خاص برگزاری اجلاس نماز، از جمله اقدامات ضروری و بایسته‌ای است که از ابتدای دهه هفتاد در کشور به همت عالم مجاهد و مردمی، استاد قرآن و مبلغ زبردست حجت‌الاسلام‌والمسلمین قرائتی دامت برکاته شکل گرفته است. اهتمام ویژه رهبر عظیم‌القدر شهید اعلی‌الهمامه‌الشریف به این امر و توصیه‌های مهم، مستمر و مؤکد ایشان در پیام‌های مربوط به سی و دو اجلاس گذشته نیز بر اهمیت این خط‌مشی می‌افزاید. بی‌شک سخن گفتن یا نوشتن پیرامون نماز، در شأن و نراز وحی الهی و کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه معصومین علیهم‌الصلاة و السلام است و قلم امثال اینجانب،

کوچک‌تر از آن است که در باب عمق معارف نماز مطلبی بنگارد. اما هویت و اقتضائات جامعه اسلامی و وظایف خادمان آن خصوصاً رهبری انقلاب اسلامی چنان ایجاب می‌کند که چند جمله‌ای از این جهت برای خودم و آحاد مردم و مسئولان متذکر شوم. نماز از جمله زیباترین نعمت‌های بزرگ حضرت حق جل و علّ، برترین نهاد و نماد و ستون دین، رشته اتصال هر یک از ما برای ارتباط نزدیک و مستقیم با منبع لایتناهی و لاززال الهی است. این اکسیر فلاح و رستگاری و رکن حیات طبیعه، هم پشتوانه مستحکم و مستمر و ذخیره تمام‌نشدنی انسان در مبارزه با شیطان نفس و شیطان‌های دنیوی است و هم چشمه جوشان عشق و امید و مهربانی و آرامش است و نزول برکات و فراوانی ارزاق الهی از ناحیه اقامه نماز و استغفار صورت گرفته و افزایش می‌یابد. اما فریضه نماز، تنها یک تکلیف فردی نیست و بنا برآموزه قرآن، برپاداشتن نماز، اولین ثمره و نشانه حکومت صالحان است که «الَّذِينَ إِذْ يُكَلِّمُهُمُ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». بیان این آیه دقیقاً پس از آیه وعده نصرت الهی در مورد یاران خداوند متعال و جهاد آنها در سوره مبارکه حج نشان می‌دهد اقامه نماز به‌عنوان تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا دارد. امروز که شرط فکنت و قدرت در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصاً میدان مبارزای که امروز پیش روی ملت ایران است، امید و اعتماد به او، نقش ویژه‌ای در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصاً میدان مبارزای که امروز پیش روی ملت ایران است، مردم عزیز ایران بیش از پیش فراهم شده است، یکپاک ملت معیوت، مخاطب این دستور مکرر الهی برای اقامه نماز هستند که «اقموا الصلوة». علاوه بر این، همه اشخاص مؤثر در

جامعه از پدران و مادران و خانواده‌ها تا معلمان و دوستان، از اساتید و نخبگان تا چهره‌های شناخته شده و افراد مشهور و نیز تمامی نهادها و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز از جمله مساجد، نماز‌های جمعه، مدرس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، فعالان فرهنگی و اجتماعی و بسیج مردمی خصوصاً آنهایی که با قشر نوجوان و جوان در ارتباط هستند، مسئولیت مضاعف در این امر دارند. اقامه نماز در همه مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی‌اش در پهنه جامعه و کشوری که پرچم اسلام ناب محمدی صلی‌الله علیه و آله وسلم را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، در زمره اهم امور است و برای فراهم شدن زمینه طی طریق از مرحله نهضت و انقلاب اسلامی تا مرحله جامعه اسلامی، امری ضروری است و بعد از آن است که نیل به مرحله



تمدن اسلامی میسر خواهد شد. نهادینه شدن و فراگیر و همگانی شدن نماز و آنگاه تلاش عمومی برای نیکو به‌جای آوردن آن، دو ضلع اصلی خط تلاش برای وصول به این مهم است و آبادانی مساجد و سایر تمهیدات برای گسترش کمیت و ارتقای کیفیت صوری نمازهای جماعت و جمعه، مقدمات لازم برای دست یافتن به این مقصد مهم می‌باشند. در همه این موارد، نقش ائمه جماعات و جمعه که باید مأمن مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان باشند، بسیار برجسته است. امیدوارم که با تقضلات الهی و توجه و دعای خاص سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، ملت و کشور عزیزمان در امر اقامه نماز و بهره‌مندی از فیوضات و برکات آن موفق و مؤید باشند.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۴۰۵/مهر/۹

فعالان سیاسی و کنشگران اجتماعی جزئیاتی از دیدارشان با رئیس‌جمهوری را روایت کردند

صدای مشترک برای پایان مقتدرانه جنگ

گزارش



رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان سه‌شنبه شب هفته گذشته در دیداری با جمعی از فعالان و کنشگران سیاسی اجتماعی اصلاح‌طلب شنونده نظرات و دیدگاه‌های آنها پیرامون مسائل پیش روی کشور بود. حالا روایت‌هایی که از زبان حاضران در آن جمع درباره محتوای گفت‌وگوهای آن دیدار منتشر شده است تصویری کلی از دغدغه مشترک طیفی از سیاستمداران ایرانی و رئیس‌جمهوری ارائه می‌دهد. روایت‌هایی که از سید حسن رسولی، فیاض زاهد، محمدعلی ابیطحی، غلامرضا ظریفیان، محمد مهاجری و احمد زیدآبادی در خبرگزاری‌ها یا صفحات شخصی‌شان منتشر شده است، هر یک بخشی از این دیدار را مورد توجه قرار داده و تبیین می‌کنند. قطعات پازلی که نشان می‌دهند پایان مقتدرانه جنگ، صیانت از تفاهمنامه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای عبور کشور از وضعیت ننه جنگ، نه‌صلح از مهم‌ترین مسائل مورد تأکید در این نشست از سوی اکثریت حاضران بوده است.



مختلف قدرت ملی اعم از ایستادگی مردم، توان نظامی، قدرت دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های ارزشمندی چون موقعیت استراتژیک تنگه هرمز، موفق عمل کرده‌ایم.»

فرصت کارت‌های استراتژیک را بدانیم

فیاض زاهد فعال سیاسی حاضر در جلسه روز سه‌شنبه نیز در شبکه اجتماعی «ایکس» در

روایتی مختصر از این دیدار با این توضیح که «دوستان از سلایق عمدتاً میانه‌رو و اصلاح‌طلب» بودند و «ابتدا دکتر قائم‌پناه گزارشی از عملکرد دولت در دو جنگ قبلی داشت که انصافاً درخشان بود و سپس ۱۲ فقر از دوستان دعوت به ارائه نظر شدیم»، نوشت: «به رئیس‌جمهوری توصیه کردم از همه توان و آبروی خود برای توجیه و همکاری دیگر ارکان نظام با پرهیز از دو قطبی‌سازی برای پیشبرد گفت‌وگوها استفاده کنم. در این نشست به بخشی از دیدگاه‌های جامعه نخبگانی دسترسی پیدا کردم و به همین دلیل طی یک گفت‌وگو سه ساعته با حوصله و دقت به نظرات کارشناسی حاضران توجه کردم، مهم‌ترین دغدغه پزشکیشان، عدم ارزیابی دقیق گاهی کارنهای‌مان را به‌ضد خودمان بدل می‌کند....»

تقویت طنین صدای اکثریت و انسجام حداکثری

غلامرضا ظریفیان، فعال سیاسی نیز به اسرائیل است. «وی گفت: «هر کارت به‌نفع استراتژیک دوره و فرصت معینی دارد. عدم ارزیابی دقیق گاهی کارنهای‌مان را به‌ضد خودمان بدل می‌کند....»



رئیس‌جمهوری پیش‌تر به مباحث چگونگی استفاده کشور از فرصت‌هایی که در عرصه دیپلماسی وجود دارد، معطوف بود. ظریفیان با بیان اینکه اعلی‌رغم دو جنگ بسیار سخت و ظالمانه‌ای که بر ما گذشت، این دولت موفق شد یکی از کم‌نظیرترین اسناد تاریخ دیپلماسی، حداقل بعد از انقلاب را به اعضای دو رئیس‌جمهوری برساند، افزود: «بسیاری از صاحب‌نظران خارجی و داخلی معتقدند آن تفاهمنامه اساساً مبتنی بر منافع ملی ایران تنظیم شده است. این تفاهمنامه، هم حاصل تلاش مادر عرصه دیپلماسی بوده، هم حاصل مقاومت، ایستادگی و تاب‌آوری مردم ما بوده و هم حاصل تلاش‌ها و جانفشانی‌های روزمندان ما بوده است»، گفت: «حاصل جمع این مجموعه، دشمن ما را متقاعد کرد که این تفاهمنامه را امضا کند. حالا بحث با است که این فرصت را چگونه می‌توانیم

حفظ کنیم.» وی با اشاره به این نظر رئیس‌جمهوری در نشست که «فقط دولت نمی‌تواند این بار سنگین را به دوش بکشد. نیازمند انسجام داخلی و درک صحیح از شرایط خطر هستیم و باید صدای اکثریت جامعه و به‌خصوص نخبگان طنین بیشتری پیدا کند»، گفت: «باید این طنین و این صدای انسجام و استفاده حداکثری از فرصت‌ها را سازماندهی کرد تا این صدای حل مسائل کشور و نهایتاً صدای انسجام ملی باشد.»

باید از رادیکالیسم در همه ابعاد آن خودداری کرد



محمد صادق جوادی حصارخونگی حزب اعتماد ملی نیز درباره جزئیات دیدار اخیر با رئیس‌جمهوری، حفظ استقلال و تقویت قدرتی را که ایران در این سال‌ها به دست آورده نیازمند دو عنصر تدایم بخش و قدرت آفرین یعنی انسجام ملی و توسعه اقتصادی دانست و گفت: «برای جلوگیری از تجاوز خارجی باید بنیه عمومی کشور از راه مشارکت حداکثری مردم تقویت شود. هرکاری که در جهت مخالف انسجام کشور باشد، آب‌ریختن به آسپاد دشمنانی است که از بنیان، مخالف استقلال ایران‌اند و در شرایط کنونی هم با نتیجه‌بخش بودن تفاهمنامه اسلام‌آباد بشدت مخالفت می‌کنند.» او افزود: «مهم‌ترین ضرورت برای انسجام داخلی دوری از رادیکالیسم فکری، فرهنگی و رفتاری در همه ابعاد و حرکت به سمت ظرفیت‌سازی‌های نوین با استفاده از نیروهای میانه جریان‌های مختلف اصولگرا، اصلاح‌طلب و ملی است.»

ضرورت شکل دادن به اجماعی برای احیای تفاهمنامه



سیدمحمد علی ابیطحی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در دولت هفتم هم به تأکید شد، به «ایستادگی» و «توصیه‌هایی هم به دولت شد تا در شرایط فعلی، اوضاع اقتصادی کشور تا حد ممکن و به نفع اقشار محروم جامعه کنترل شود. همچنین نکته مشترک در صحبت‌های دوستان این بود که به هیچ‌وجه نباید وقتی توصیه به مذاکره و گفت‌وگو می‌کنیم، عزت ملت ایران و سربلند بودن آنان زیر سؤال رود. حرف این بود که باید مقاومت کرد اما در عین حال باید هر راهی را برای جلوگیری از جنگ پیدا کرد.»

رنجی که مردم می‌برند ناراحت بود و تأکید داشت برای حل مشکلات معیشتی مردم، همدارک، از جمله اضمای تفاهمنامه، را دنبال می‌کند. ابیطحی همچنین روایت کرد: «این مرد آن قدر صادق است که به جای تیریک تولدش، گفتیم کمتر کسی می‌تواند مسعود پزشکیان را دوست نداشته باشد.»

اکثریت از تفاهمنامه حمایت می‌کنند



احمد زیدآبادی فعال سیاسی و روزنامه‌نگار نیز با انتشار ویدیویی با اشاره به دیدار جمعی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب با رئیس‌جمهوری با بیان اینکه «واقعیت این است که اکثریت ایرانی‌ها نظر مثبتی درباره تفاهمنامه اسلام‌آباد دارند» تصریح کرد: «چهره‌های سیاسی که از این تفاهمنامه حمایت می‌کنند زیاد هستند، اما معمولاً سکوت کرده‌اند یا حرف نمی‌زنند. در عوض، صدای مخالفان که بسیار کم و در اقلیت هستند، بسیار بلند است؛ به‌گونه‌ای که گویی جو جامعه کاملاً در اختیار آنهاست.» زیدآبادی با اشاره به اظهارات محمود جواد ظریف در این نشست افزود: «به نظر رسید آقای ظریف مقدار زیادی نگران حمله مجدد به ایران است و اوضاع را بحرانی می‌دید. همدارهای او نسبت به دیگران غلیظ‌تر و شدیدتر بود.»

تأکید بر ضرورت مقاومت و گفت‌وگوی توانمان



محمد مهاجری دیگر فعال سیاسی و رسانه‌ای حاضر در دیدار با رئیس‌جمهوری، جمع هم با بیان اینکه در این جلسه بر جدی گرفتن دیپلماسی به‌عنوان راهی برای خروج از وضعیت فعلی و پایان دادن به حالت «نه جنگ و نه صلح» تأکید شد، به «ایستادگی» و «توصیه‌هایی هم به دولت شد تا در شرایط فعلی، اوضاع اقتصادی کشور تا حد ممکن و به نفع اقشار محروم جامعه کنترل شود. همچنین نکته مشترک در صحبت‌های دوستان این بود که به هیچ‌وجه نباید وقتی توصیه به مذاکره و گفت‌وگو می‌کنیم، عزت ملت ایران و سربلند بودن آنان زیر سؤال رود. حرف این بود که باید مقاومت کرد اما در عین حال باید هر راهی را برای جلوگیری از جنگ پیدا کرد.»

تمرکز بر موضوعات مشخص و منافع ملی

سیاست خارجی باعث شد اظهار نظرها از انسجام بیشتری برخوردار و امکان نتیجه‌گیری بیشتر برای شخص رئیس‌جمهوری فراهم شود. از این دو منظر می‌توان گفت جلسه متفاوت بود و تا حد زیادی از پراکنده‌گویی و طرح مباحث متعدد جلوگیری شد. ویژگی دیگران جلسه آن بود که گرچه حاضران از یک جریان سیاسی و از طیف‌های مختلف آن جریان حضور داشتند اما وضعیت خاص کشور باعث شد افراد عموماً از منظر منافع ملی و موضوعات مرتبط با سیاست خارجی ایران و از یک نگاه کلان‌نگر و سیاسی پرهیز شد. در جلسات قبل که افراد از دو طیف و جناح مختلف حضور داشتند گاهی منازعات جناحی میان حاضران دیده می‌شد و بخشی از زمان جلسه به طرح دغدغه‌های حزبی و جناحی اختصاص پیدا می‌کرد. اما در این جلسه که یک جریان سیاسی حضور داشت موضوعات رنگ و بوی پررنگ‌تری پیدا کرد. افراد بیشتر از منظر آینده ایران و با دغدغه عزت و منافع ملی صحبت کردند. این رویکرد در مباحث مختلف حاضران نیز به چشم می‌خورد و از نکات قابل توجه این جلسه بود. به این ترتیب تفاوت در ترکیب شرکت‌کنندگان و تمرکز موضوعی در کنار توجه بیشتر به منافع ملی باعث شد این دیدار از جلسات پیشین متمایز باشد و زمینه مناسب‌تری برای طرح منسجم دیدگاه‌ها و جمع‌بندی مباحث فراهم شود.

یادداشت شفاهی



سجاد سالک
رئیس امور سیاسی - امنیتی
دفتر رئیس‌جمهور

آقای رئیس‌جمهوری پزشکیشان با فعالان احزاب اصلاح‌طلب و جمعی از کنشگران سیاسی و اجتماعی دیدار داشتند. درباره تفاوت این جلسه با سایر جلسات می‌توان به دو نکته مهم اشاره کرد. به صورت معمول رؤسای جمهوری به شکل ادواری با فعالان سیاسی و احزاب دیدار داشته‌اند و آقای پزشکیشان نیز در دو سال گذشته از همین رویه استفاده کرده است. با این حال در دوره‌های گذشته برخی از فعالان سیاسی و احزاب، پیشنهادی را مطرح کردند مبنی بر اینکه برای نتیجه‌گیری بهتر و طرح تمام و کمال مباحث لازم است در شکل برگزاری این دیدارها دو تغییر ایجاد شود. هر دو تغییر در این دیدار رعایت و اعمال شد. اولین تغییر مربوط به ترکیب شرکت‌کنندگان بود. جلسات با فعالان سیاسی در گذشته معمولاً به صورت یکپارچه و با حضور همه احزاب و گروه‌ها برگزار می‌شد. در این شیوه این انتقاد و گلایه وجود داشت که وقتی تمام افراد و جریان‌های مختلف در یک جلسه حضور پیدا می‌کنند امکان تمرکز بر موضوعات مشخص کاهش می‌یابد. تکرر حاضران نیز باعث می‌شود موضوعات متعددی از زاویه

نگاه‌های متفاوت مطرح شود و در نهایت امکان نتیجه‌گیری از جلسه کاهش پیدا کند. بر همین اساس پیشنهاد شده بود جلسات به صورت جداگانه با جریان‌های سیاسی برگزار شود. چند وقت پیش آقایان بذپاش و محصولی و تعداد دیگری از فعالان سیاسی در جمع محدودتری حضور پیدا کردند و نظرات خود را به عنوان چهره‌های اصولگرا مطرح کردند. در این جلسه نیز صرفاً حامیان دولت و اصلاح‌طلبان حضور داشتند و نکات و دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. بزودی جلسه بزرگ‌تری با حضور منتقدان دولت و اصولگرایان برگزار خواهد شد و تعداد بیشتری از اصولگرایان نیز حضور خواهند داشت تا دیدگاه‌های خود را از زاویه نگاه خود مطرح کنند. بنابراین اولین تفاوت مهم این جلسه در ترکیب شرکت‌کنندگان بود. این بار افراد بر اساس گرایش مشخص سیاسی دعوت شدند تا امکان تمرکز بیشتر بر دیدگاه‌ها و مسائل مورد بحث فراهم شود.

تفاوت مهم دوم به موضوع جلسه مربوط بود. جلسات قبلی در ادوار گذشته معمولاً به شکل باز و اصطلاحاً «از هر دری سخنی» برگزار می‌شد. در یک جلسه محدود دو ساعته موضوعات فرهنگی، اجتماعی، هنری، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شد و شاید به همین دلیل حق مطلب درباره هیچ‌کدام از موضوعات به خوبی ادا نمی‌شد اما این جلسه با تمرکز بر موضوع سیاست خارجی و تقاهم اسلام‌آباد برگزار شد و افراد عموماً در همین زمینه صحبت کردند. تمرکز موضوعی جلسه بر

گزارش منابع معتبر، تعداد شهدای جنگ غزه را چندین برابر ارقام اعلام شده ارزیابی می کنند

نسل کشی چندصدهزار نفری در غزه



فرانچسکا آلبانیز گزارشگریزه سازمان ملل در امور حقوق بشر در سرزمین های اشغالی، ماه قبل هشدار داد که پاکسازی آوارهای نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی ممکن است منجر به نابودی شواهد مهمی از جنایات وحشیانه این رژیم علیه غیرنظامیان فلسطینی شود و تلاش ها برای بیرون کشیدن پیکر شهدا و شناسایی هویت آنها را مختل کند. او در بیانیه خود اعلام کرد که جمع آوری شواهد و شناسایی هویت قربانیان باید پیش از هرگونه عملیات جامع برای پاکسازی آوارها انجام شود. وی بر لزوم ایفای نقش و مسئولیت فلسطینی ها در تدوین و اجرای طرح های آواربرداری تأکید کرد. این مقام سازمان ملل افزود که آوارها در غزه «تنها به معنای خرابه های ساختمان ها نیست، بلکه بخشی از یک صحنه جرم، یک قبرستان و یک سند فیزیکی محسوب می شود.» آلبانیز اعلام کرد که منابع متعددی به او اطلاع داده اند که شرکت های اسرائیلی در عملیات پاکسازی آوارها مشارکت دارند. باین حال، در جنگی که همچنان ادامه دارد، دستیابی به چنین برآوردهایی به دلیل محدودیت های امنیتی، تخریب گسترده ساختمان ها و جابه جایی مداوم جمعیت، بسیار دشوار است. وزارت بهداشت غزه

گزارش

نزدیک به ۳ سال از بزرگترین نسل کشی قرن توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی در غزه می گذرد؛ جنایاتی که همه مرزهای توحش را درنوردیده و تصویر عریان اسرائیل را مقابل دیدگان جهان به نمایش گذاشته است، تصویری که ده ها تلاش می شد با روایت های دروغین و تحریف شده، چهرهای مظلوم و تحت ستم از بزرگترین اشغالگران تاریخ معاصر ارائه داده و واقعیت را مخدوش کند، اما به لطف مجاهدت مردم مظلوم فلسطین، ماهیت آپارتاید یک رژیم نسل کشی و کودک کش، برای افکار عمومی جهان افشا و این رژیم ضد بشری امروز منقورترین واحد سیاسی در دنیاست. در این مدت، یک واقعیت مسلم وجود دارد. تعداد شهدای غزه به مراتب و شاید چند برابر بیش از اعلام رسمی است، چراکه در شرایط فاجعه بار کنونی، شمار زیادی از اجساد همچنان زیر آوار مدفون مانده و امکان شناسایی و ثبت آنها وجود ندارد. برآورد دقیق شمار قربانیان جنگ برای درک ابعاد واقعی تلفات و پیامدهای انسانی درگیری اهمیت زیادی دارد.

گزارش ۲۰۲۶ «لنست» از تعداد قربانیان چه می گوید؟



مدارک لازم تهیه شود؛ اسناد فیزیکی اغلب در آتش سوخته یا گم شده اند و دسترسی به سامانه های الکترونیکی نیز دشوار است. در نهایت، سوابق باید در شرایطی منتقل شوند که برق و ارتباطات به طور متناوب قطع است و جابه جایی جمعیت نیز ادامه دارد. افراد همچنان زیر آوار مدفون اند، در حوادث پرتلفات پراکنده شده یا مفقود شده اند و یا در مناطقی قرار دارند که برای خانواده ها و امدادگران دسترسی به آنها ممکن نیست. جابه جایی جمعیت همچنین می تواند شبکه های اجتماعی ای را که در شرایط عادی می توانستند در افراد را تأیید کنند از هم بگسلد. امکان گزارش مرگ نیز به دسترسی به ارتباطات یا دسترسی فیزیکی وایسته است؛ هر دو عامل در نوار غزه به شدت مختل شده اند. بیمارستان ها و مراکز اداری، که معمولاً اسناد کاغذی در آنها انباشته می شوند، بارها مورد حمله قرار گرفته، تخلیه یا ویران شده اند. این مسأله موجب افزایش از بین رفتن اسناد و ایجاد گسست در روند ثبت و گزارش دهی شده است. خطر اقدامات تلافی چوینانه نیز می تواند بر انگیزه افراد برای گزارش مرگ تأثیر بگذارد؛ برخی خانواده ها ممکن است از اعلام نام فرد جان باخته خودداری کنند، اگر احساس کنند شناسایی او می تواند خطر حمله نیروهای اسرائیلی به خانواده را افزایش دهد. در مقابل، برخی دیگر ممکن است فعالانه در پی مستندسازی مرگ باشند تا شواهدی برای درخواست کمک یا طرح دعاوی حقوقی در اختیار داشته باشند. مرگ های مستقیم، یعنی مرگ هایی که در اثر بمباران رخ می دهند، مرگ های غیرمستقیم، یعنی مرگ هایی که در اثر تخریب نظام سلامت و واکامت شرایط زندگی ایجاد می شوند، در جنگ های مدرن می توانند تفاوت بسیار زیادی داشته باشند. با این حال، تعیین اینکه دقیقاً چه چیزی «مرگ مستقیم» محسوب می شود، همیشه کاملاً روشن نیست. افرادی که پس از مجروح شدن به دلیل عفونت خونی جان می یابند، کسانی که پس از جراحات ناشی از له شدگی در اثر انفجار دچار نارسایی کلیه می شوند، یا افرادی که به دلیل نبود منابع، ناتوانی در رسیدن به بیمارستان یا نبود جراح، بدون دسترسی به عمل جراحی جان خود را از دست می دهند، ممکن است در یک منطقه خاکستری میان طبقه بندی مرگ مستقیم و غیرمستقیم قرار گیرند.

طبقه بندی این مرگ ها به عنوان مرگ غیرمستقیم و حذف آنها از برآورد مرگ و میر مستقیم، خطر کم برآورد کردن میزان مرگبار بودن حملات را به همراه دارد؛ در حالی که طبقه بندی تمام این موارد به عنوان مرگ خشونت آمیز نیز ممکن است سازوکارهای مرتبط با نظام سلامت را که می توانستند از وقوع یک پیامد مشخص جلوگیری کنند، پنهان کند.

تحلیل های «ثبت بازیت» و تطبیق و تلفیق چند مجموعه داده، در صورت امکان، می توانند به برآورد میزان کم شماری احتمالی کمک کنند؛ این کار از طریق مقایسه فهرست هایی انجام می شود که تا حدی با یکدیگر همپوشانی دارند، مانند سوابق مراکز درمانی، سردخانه ها، آمارهای اعلام شده مرگ و میر و گزارش های خانواده ها. باین حال، این روش ها اغلب به کامل بودن منابع خود وابسته اند و همین مسأله است که مطالعه مبتنی بر پیمایش

مقیاس هولناک کشتار



مسأله نسل کشی به حدی برای صهیونیست ها مهم و هزینه زا بوده که نخست وزیر رژیم صهیونیستی و قصاب غزه در مجمع عمومی سازمان ملل بار دیگر وادار شد نسل کشی اسرائیل را انکار کند، مسأله ای که نشان می دهد چقدر این موضوع برای رژیم سنگین تمام شده است. ایندپندنت اسرائیل سال گذشته در گزارشی نوشت: دکتر ریچارد هیل و دکتر کیدئون بولیا اعلام کردند یک تحلیل جدید نشان می دهد که آمار واقعی مرگ و میر غزه، از جمله مرگ و میر ناشی از محرومیت می تواند بیش از ده برابر بیشتر از آمار رسمی باشد.

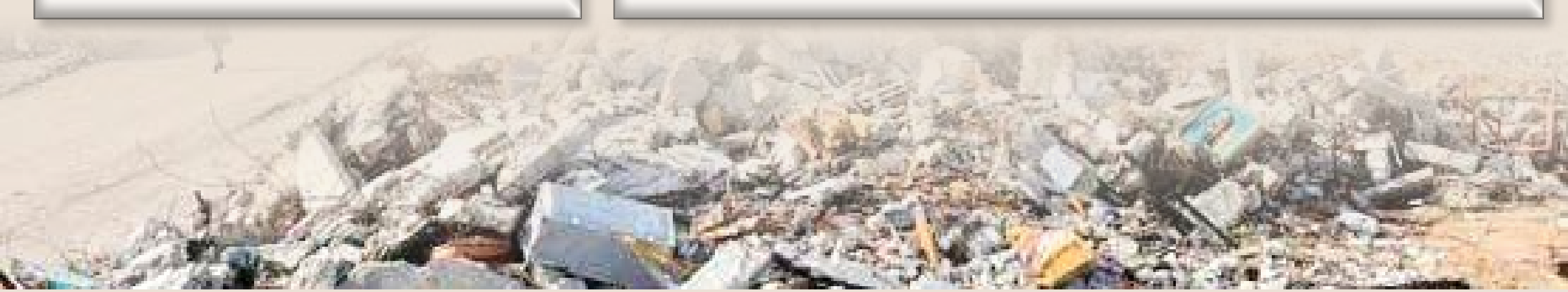
بر اساس تحقیقات این دو پزشک، سطح تخریب در این منطقه کوچک ۲۶۰ کیلومتر مربعی - و یکی از پرجمعیت ترین مکان های روی زمین - به حدی است که دسترسی به کسانی که تحت تأثیر بمب ها و گلوله ها قرار گرفته اند، به طرز غیرقابل توصیفی دشوار است. نوار غزه به طور کامل ویران شده است و ارتش تروریست رژیم صهیونیستی تا ژوئن سال ۲۰۲۵، صدها تن مواد منفجره روی آن ریخته اند. بین ۱۲۰ تا ۱۷۰ هزار جسد زیر ۴۰ میلیون تن آوار مدفون مانده است. علاوه بر این، با توجه به حملات یو و فقه به مراکز درمانی و تنها بیمارستان معناست که کل تلفات غزه ۱۳۶۰۰۰ مرگ خشونت آمیز به علاوه ۵۴۴۰۰۰ مرگ ناشی از محرومیت تحمیلی خواهد بود که منجر به مجموع سرسام آور ۶۸۰۰۰۰ مرگ تا ۲۵ آوریل ۲۰۲۵ می شود.

رقم تکان دهنده ۶۸۰ هزار نفر از محاسباتی مبتنی بر سایر درگیری ها در سراسر جهان به دست آمده است. بایگاه داده حقوق و سیاست جهانی (UNHCRRefworld) ثبت می کند که نسبت مرگ های غیرمستقیم به مرگ های مستقیم در جنگ های مختلف دهه های اخیر از حدود دو تا ۱۶ متغیر است. بنابراین، تخمین ۶۸۰ هزار نفر از مرگ های غزه حدود ۱۱ برابر بیشتر از آخرین رقم تلفات حدود ۶۰ هزار نفری است که در حال حاضر توسط رسانه های جریان اصلی غرب گزارش شده است.

نوزادان بیشترین خطر را دارند. تجزیه و تحلیل جامع مرگ و میر قابل اجتناب ناشی از محرومیت در همه کشورها از سال ۱۹۵۰ به بعد نشان می دهد که مرگ و میر نوزادان زیر پنج سال حدود ۷۰ درصد از مرگ و میرهای قابل اجتناب در کشورهای فقیرا تشکیل می دهد. در اوایل ماه مه ۲۰۲۴، یک مطالعه مشترک توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد و کمیسئون اقتصادی و اجتماعی غرب آسیا (ESCWA) گزارش داد که نرخ فقر در غزه، که از قبل هم زمزم بود، از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ به ۵۸.۴ درصد افزایش یافته است. از آن زمان، شرایط روه وخامت گذاشته است. نوزادان بسیار آسیب پذیر هستند. بنابراین به عنوان مثال، تغذیه با شیر مادر برای مادران غزای که به شدت آسیب دیده اند و به طور قابل توجهی از آب، غذا، سرپناه، بهداشت، شیشه شیر، شیر خشک، برق، فاضلاب، دارو، مراقبت های پزشکی و سایر ملزومات حیاتی که از قدرت اشغالگر طبق مواد ۵۵ و ۵۶ کنوانسیون چهارم ژنو (IV) در مورد حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ مطالبه می شود، محروم هستند، بسیار مشکل ساز خواهد بود. ارقام ارائه شده توسط وزارت بهداشت غزه تنها تکه یخی عظیم است که رنج غیرقابل تصویری را که مردم فلسطین متحمل می شوند، نشان می دهد. البته این تنها بخشی از یک داستان بسیار بزرگتر و هولناک از سختی های جسمی و روانی است که تقریباً فراتر از درک است.

بر اساس یافته های مطالعه لنست از ۹ ماه اول قتل عام

منبع: The Lancet





عکس: ایر

کارشناسان در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کردند

تحریم هوایی؛ نقض حقوق بشر

سفرهای هوایی عنوان کرد و گفت: «با محدود شدن مسیرهای مستقیم و کاهش گزینه‌های موجود، مسافرانی که به دلایل ضروری ناچار به سفر هستند، ممکن است مجبور شوند مسیرهای طولانی‌تر و چندمرحله‌ای را طی کنند. در چنین شرایطی، هزینه یک سفر ضروری می‌تواند سه تا پنج برابر افزایش پیدا کند. علاوه بر هزینه مالی، طولانی شدن مسیر و افزایش زمان سفر نیز فشار قابل توجهی بر مسافران وارد می‌کند.»

وی افزود: «در برخی موارد، مسافر ممکن است به جای یک پرواز مستقیم، ناچار به طی کردن مسیری ۱۲ تا ۲۴ ساعته شود؛ شرایطی که برای سالمندان، کودکان، بیماران و افرادی که برای درمان نیازمند سفر به خارج از کشور هستند، دشواری مضاعفی ایجاد می‌کند و در برخی موارد حتی از نظری پزشکی ممکن است عملاً امکان پذیر نباشد.»

یکی دیگر از ابعاد مهم محدودیت‌های هوایی، به گفته رئیس کمیسیون حمل و نقل اتاق تهران، تأثیر آن بر دسترسی شرکت‌های هواپیمایی به قطعات بدکی، موتور و خدمات تخصصی تعمیر و اورهال است.

سندجی افزود: «دسترسی نداشتن به قطعات بدکی اصلی، شرکت‌های هواپیمایی را با مشکلات بیشتری برای حفظ و آماده‌به‌کاری هواپیماها مواجه می‌کند.

در چنین شرایطی، استفاده از قطعات جایگزین و روش‌های دیگر برای ادامه فعالیت ناوگان می‌تواند هزینه‌های شرکت‌ها را افزایش دهد و موضوع ایمنی پرواز را به مسأله‌ای مهم تبدیل کند. بنابراین، آثار این تحریم‌ها صرفاً اقتصادی نیست و می‌تواند با موضوع ایمنی مسافران نیز ارتباط پیدا کند.»



عباس آرگون:
از حوزه دارو و تجهیزات پزشکی گرفته تا رفت‌وآمد، تغذیه و تأمین برخی کالاهای مورد نیاز مردم، هرگونه اختلال در مسیرهای تجاری می‌تواند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی افراد اثر بگذارد

و کنترل‌شده این اقلام اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین هرگونه اختلال در مسیرهای هوایی می‌تواند انتقال این اقلام حیاتی را به تأخیر بیندازد و در نتیجه، احتمال افزایش قیمت یا حتی کمبود مقطعی برخی داروها را افزایش دهد. به‌ویژه برای بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص، سرطان و بیماری‌هایی که نیازمند داروهای ویژه هستند، از این منظر، محدودیت‌های هوایی می‌تواند علاوه بر افزایش هزینه سفر، هزینه درمان بیماران و خانواده‌های آنان را نیز افزایش دهد.

تهدید مستقیم زندگی مردم

عباس آرگون، عضو کمیسیون تسهیل و تجارت اتاق بازرگانی نیز تحریم صنعت هوایی و محدودیت‌های جدید پرواز را تهدید مستقیم مردم عنوان کرد و گفت: «تحریم هوایی را نمی‌توان صرفاً یک سازوکار اداری یا محدودیت مربوط به شرکت‌های هواپیمایی دانست؛ بلکه آثار آن می‌تواند در سطح زندگی روزمره شهروندان، هزینه‌های درمان، دسترسی به خدمات و ارتباطات بین‌المللی نیز نمایان شود.» آرگون تأکید کرد: «تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری لزوماً به معنای توقف کامل واردات و تجارت نیستند، اما هرچه دامنه این محدودیت‌ها گسترده‌تر شود، مسیر تأمین کالا، انتقال پول و انجام مبادلات تجاری نیز دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد.

در شرایط عادی، واردکننده می‌تواند به‌صورت مستقیم از کشور مبدأ کالا خریداری کند و از مسیرهای رسمی، از جمله گشایش اعتبار اسنادی (LC)، هزینه آن را پرداخت و انتقال وجه را انجام دهد. اما با افزایش محدودیت‌ها، استفاده از واسطه‌ها

و مسیرهای غیرمستقیم بیشتر می‌شود و همین موضوع هزینه‌های مالی، زمانی و حتی امنیتی تجارت را افزایش می‌دهد.»

وی افزود: «وقتی امکان انجام مستقیم یک معامله وجود نداشته باشد، واردکننده ناچار است از مسیرهای جایگزین استفاده کند. این مسیرها معمولاً طولانی‌تر و پیچیده‌تر هستند و در نتیجه، هزینه حمل‌ونقل، انتقال پول، کارمزدها واسطه‌ها و ریسک معامله افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل، نمی‌توان انتظار داشت تحریم‌ها هیچ اثری بر قیمت کالاهای وارداتی نداشته باشند. البته این مسأله به معنای رسیدن تجارت به نقطه صفر نیست؛ بلکه به این معناست که تأمین کالا با هزینه و دشواری بیشتری انجام می‌شود.»

به گفته آرگون، با وجود این، افزایش محدودیت‌ها لزوماً به معنای بسته شدن کامل مسیرهای تجاری نیست. کشورهایی مانند ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و برخورداری از مسیرهای زمینی و دریایی و همچنین ارتباط با کشورهای متعدد، امکان استفاده از مسیرهای جایگزین را دارند.

وی افزود: «مسأله اصلی این است که هرچه محدودیت‌ها بیشتر شود، مسیرهای جایگزین نیز طولانی‌تر، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر خواهند شد.

بنابراین، حتی اگر تأمین کالا به‌طور کامل متوقف نشود، افزایش بهای تمام‌شده، طولانی‌تر شدن فرآیند تأمین و دشوارتر شدن تجارت از پیامدهای قابل انتظار این شرایط خواهد بود.

در نهایت، مسأله اصلی این نیست که تحریم تجارت را به‌طور کامل متوقف می‌کند یا نه؛ بلکه باید دید این محدودیت‌ها چه میزان به هزینه، زمان و ریسک تجارت اضافه می‌کنند و این

محدودیت‌های اعمال‌شده در حوزه هوایی محدودیت‌های شرکت‌های هواپیمایی فراتر می‌رود و به زندگی شهروندان، بیماران، دانشجویان، تجارت و صنایع نیز منتقل می‌شود.

علیرضا منطری، کارشناس صنعت هوایی با اشاره به محدودیت‌های جدید پروازی، گفت: «هوانوردی تجاری یک زنجیره پیچیده است که از هواپیما و موتور تا قطعات بدکی، تعمیر و اورهال، خدمات زمینی، بیمه، تأمین مالی، سوخت، خدمات فرودگاهی و مجوزهای پروازی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، هرگونه محدودیت در یکی از این حلقه‌ها می‌تواند هزینه و دشواری فعالیت کل شبکه را افزایش دهد.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز در اقدامات اخیر خود صراحتاً علاوه بر شرکت‌های هواپیمایی، شرکت‌ها و واسطه‌هایی

هزینه‌ها در نهایت چگونه به زندگی مردم منتقل می‌شود.»

اتار تحریم فقط اقتصادی نیست

عضو اتاق بازرگانی گفت: «با این حال پیامدهای تحریم نیز صرفاً به تجارت و قیمت کالا محدود نمی‌شود. افزایش محدودیت‌ها می‌تواند آثار روانی و اجتماعی نیز به همراه داشته باشد و بر زندگی روزمره مردم اثر بگذارد. از حوزه دارو و تجهیزات پزشکی گرفته تا رفت‌وآمد، تغذیه و تأمین برخی کالاهای مورد نیاز مردم، هرگونه اختلال در مسیرهای تجاری می‌تواند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی افراد اثر بگذارد. از این منظر، نمی‌توان تحریم‌ها را صرفاً ابزاری برای اعمال فشار بر حاکمیت‌ها دانست؛ زیرا بخشی از آثار آن در نهایت به سطح جامعه و زندگی روزمره مردم منتقل می‌شود.»

پیگیری حقوقی

ایران اقدامات تحریمی جدید علیه صنعت هوایی کشور را مغایر اصول حقوقی و بنیادی دانسته است. ابوذر شیروزی، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با اشاره به این موضوع از پیگیری نقض حقوق مردم توسط تحریم‌کنندگان صنعت هوایی خبر داده است. وی درخواست اقدامات حقوقی صورت‌گرفته، اعلام کرده که «در راستای دفاع از حقوق حقه صنعت هوانوردی و مقابله با محدودیت‌های غیرقانونی اعمال‌شده در این زمینه، اعتراض رسمی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری (ایکائو) ارسال شده است که در این مکاتبه، موارد و مستندات اعتراض ایران نسبت به اختلال در روند پروازها به‌طور شفاف تبیین شده است.»

زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

را که در تأمین هواپیما، قطعات و فناوری‌های مرتبط با هوانوردی برای ایران نقش دارند، هدف قرار داده است. در همین چارچوب، آمریکا حتی نسبت به استفاده از شرکت‌های واسطه و مسیرهای انتقال در کشورهای ثالث برای تأمین هواپیما و قطعات هشدار داده است.

منظری خاطرنشان کرد: «این وضعیت در عمل می‌تواند شرکت‌های ایرانی را برای تأمین قطعات، انجام تعمیرات اساسی و حفظ ناوگان در شرایط دشوارتری قرار دهد و هزینه‌های عملیاتی شرکت‌های هواپیمایی را افزایش دهد.» به این ترتیب، مسأله اصلی تنها این نیست که یک هواپیما اجازه پرواز دارد یا نه؛ مسأله، زنجیره‌ای است که از قطعه و موتور هواپیما تا پرواز مسافر، از حمل واکسن و دارو تا تجارت کالا، و از هزینه واردات تا قیمت نهایی برای مردم امتداد پیدا می‌کند.

طرح جدید سوخت‌گیری با هدف افزایش شفافیت و مدیریت مصرف در ۵۴ جایگاه تهران آغاز شد

سوخت‌گیری شناسه‌دار با کارت بانکی



در نقاط مرزی اهمیت بیشتری دارد. باصفا می‌گوید: «کارت اضطراری به منظور سوختگیری در زمان فراموشی کارت سوخت در جایگاه‌ها ارائه می‌شد، اما به مرور، میزان برداشت از این کارت‌ها تا ۴۰ درصد در شهرویان ماه افزایش یافت. مدیر سامانه هوشمند سوخت کشور، شناسه‌دار نبودن کارت‌های آزاد یا اضطرار را یکی از مشکلات موجود می‌داند. به گفته او، این وضعیت باعث افزایش تصدی‌گری شبکه سوخت می‌شود. باصفا همچنین به الزام قانونی استفاده مردم از کارت سوخت شخصی اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند که قانون، استفاده ۹۵ درصدی مردم از کارت سوخت شخصی را تکلیف کرده است. به این ترتیب تمامی اقدامات کیفیست خدمات، هوشمندسازی فرآیند توزیع سوخت و صیانت از سرمایه‌های ملی صورت می‌گیرد.

اجرای سراسری طی سه ماه آینده

این طرح فعلاً در تعدادی از جایگاه‌های شهر تهران در حال اجراست. باصفا توضیح داد: «فعلاً این طرح در برخی جایگاه‌های شهر تهران اجرا شده است، اما امیدواریم تا ۳ ماه آینده به سراسر کشور تسری یابد. هر فردی که کارت بانکی معتبر داشته باشد، می‌تواند ظرف چند ثانیه احراز هویت کرده و رسید خرید دریافت کند.»

این استعلام، هزار تومان کارمزد دریافت می‌کند. بخش دیگری از این طرح به اطلاعات مالکیت خودرو مربوط می‌شود. بر اساس جزئیات اعلام‌شده، اطلاعات مالکیت خودرو به کد ملی اعضای خانوار متصل شده است. بنابراین اگر هیچ‌یک از اعضای یک خانوار مالک خودرو نباشند، امکان استفاده از کارت آزاد جایگاه در چارچوب طرح شناسه‌دار فراهم نخواهد بود. ثبت هویت مصرف‌کننده، تنها برای احراز هویت در زمان سوخت‌گیری نیست. این اطلاعات امکان جمع‌ و بررسی میزان بنزین دریافتی هر خانوار را نیز فراهم می‌کند. در نتیجه، داده‌های مربوط به مصرف سوخت می‌تواند با اطلاعات هویتی و خانوادگی پیوند بخورد.

شناسه‌دار نبودن کارت‌های آزاد مشکل ساز بود

اجرای این طرح تنها یک تغییر در شیوه سوخت‌گیری نیست. داده‌های هویتی و مکانی بیشتری در فرآیند توزیع سوخت ثبت می‌شود و همین موضوع می‌تواند زمینه اجرای سیاست‌های مدیریت مصرف را فراهم کند.

عباس باصفا، مدیر سامانه هوشمند سوخت کشور در برنامه «پایش» شبکه یک سیما درباره جزئیات طرح توضیح داد که هدف اصلی، کاهش تصدی‌گری اپراتور در جایگاه، افزایش شفافیت و مدیریت تخصیص و برداشت سوخت است. به گفته باصفا، این موضوع به‌ویژه



برش

محدودیت‌های اعمال‌شده در حوزه هوایی محدودیت‌های شرکت‌های هواپیمایی فراتر می‌رود و به زندگی شهروندان، بیماران، دانشجویان، تجارت و صنایع نیز منتقل می‌شود.

علیرضا منطری، کارشناس صنعت هوایی با اشاره به محدودیت‌های جدید پروازی، گفت: «هوانوردی تجاری یک زنجیره پیچیده است که از هواپیما و موتور تا قطعات بدکی، تعمیر و اورهال، خدمات زمینی، بیمه، تأمین مالی، سوخت، خدمات فرودگاهی و مجوزهای پروازی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، هرگونه محدودیت در یکی از این حلقه‌ها می‌تواند هزینه و دشواری فعالیت کل شبکه را افزایش دهد.»

وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز در اقدامات اخیر خود صراحتاً علاوه بر شرکت‌های هواپیمایی، شرکت‌ها و واسطه‌هایی



کارت اضطراری به منظور سوختگیری در زمان فراموشی کارت سوخت

در جایگاه‌ها ارائه می‌شد، اما به مرور، میزان برداشت از این کارت‌ها تا ۴۰ درصد در شهرویان ماه افزایش یافت. این وضعیت باعث افزایش تصدی‌گری جایگاه‌ها و ایجاد امکان عرضه خارج از شبکه سوخت می‌شود

انرژی

اجرای آزمایشی طرح شناسه‌دار کردن کارت‌های اضطرار جایگاه سوخت در ۵۴ جایگاه شهر تهران آغاز شد. این طرح قرار است بخشی از فرآیند سوخت‌گیری را از حالت سنتی خارج کند و اطلاعات دقیق‌تری از مصرف‌کننده و محل برداشت سوخت در اختیار شبکه توزیع قرار دهد. بنابراین استفاده از کارت اضطرار جایگاه به شکل سابق انجام نمی‌شود. متقاضی ابتدا کارت بانکی شخصی خود را در دستگاه کارتخوان جایگاه قرار می‌دهد. سپس فرآیند احراز هویت انجام می‌شود. پس از تأیید هویت، فرد می‌تواند بدون استفاده مستقیم از کارت اضطرار سوخت‌گیری کند. هدف از اجرای این طرح تسهیل سوخت‌گیری، کاهش صف‌های انتظار، افزایش شفافیت اطلاعات هویتی و مکانی و ایجاد بستر لازم برای مدیریت بهینه مصرف سوخت اعلام‌شده است. البته اجرای این طرح هنوز در مرحله آزمایشی است و اشکالات احتمالی در این مرحله به‌تدریج شناسایی و برطرف می‌شود.

شیوه جدید رصد مصرف بنزین هر خانوار چگونه خواهد بود؟

در روش جدید سوخت‌گیری مصرف‌کننده ابتدا از طریق کارت بانکی و کد ملی احراز هویت می‌شود. پس از تأیید هویت نیز سوخت‌گیری متناسب با سیاست تعیین‌شده برای هر فرد انجام خواهد شد. به این ترتیب، فردی که قصد استفاده از کارت آزاد جایگاه را دارد، باید پیش از سوخت‌گیری کارت بانکی خود را در دستگاه کارتخوان بکشد. این اقدام برای انجام استعلام هویتی صورت می‌گیرد. در جریان این استعلام، کد ملی دارنده حساب بانکی شناسایی می‌شود. پس از آن، یک رمز یک‌بارمصرف برای استفاده از کارت جایگاه صادر خواهد شد. این رمز روی رسید بانکی درج می‌شود و جایگزین رمز ثابت ۱۱۱۱ خواهد شد. در روند فعلی اجرای طرح، شبکه بانکی بایست انجام

آگهی مناقصه

شرکت بهره برداری و مدیریت پتروپارس آریا کیش در نظر دارد، خدمات تأمین نیروی انسانی متخصص شاغل در مناطق عملیاتی شرکت بهره برداری و مدیریت پترو پارس آریا کیش (POMC) را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای با شرایط ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:

۱-**موضوع مناقصه:** تأمین نیروی انسانی متخصص شاغل در مناطق عملیاتی (پارس جنوبی و خوزستان و دیگر مناطق عملیاتی نفت و گاز) شرکت بهره برداری و مدیریت پترو پارس آریا کیش (POMC)

۲- **اعلام آمادگی و دریافت اسناد:** متقاضیان در صورت تمایل شرکت در مناقصه می توانند نسبت به ثبت نام در سامانه معاملات گروه پتروپارس به نشانی Tender.ppars.com جهت انجام فرآیند ارزیابی کیفی اقدام نموده و تایید نهایی سامانه مبنی بروضعیت در حال ارزیابی را طی مکاتبه رسمی به دستگاه مناقصه گزار به آدرس ایمیل info@pomcak.com ارسال نمایند.

نکته مهم: پس از ثبت نام و انجام فرآیند ارزیابی اولیه توسط کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکتهای پتروپارس، شرکتهایی که توسط کمیته مذکور تایید شده اند، در فرآیند مناقصه حضور خواهند داشت.

۳-**تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به میزان ۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (سیصد و پنجاه میلیارد) ریال می باشد که شرکتهای تایید شده بایستی مراتب را به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر، غیر مشروط با اعتبار سه ماه از تاریخ پیشنهاد قیمت و یا فیش واریز وجه را در زمان ارائه پیشنهاد قیمت در یک پاکت دربسته تسلیم مناقصه گزار نمایند.

شناسه ملی شرکت: ۱۰۸۶۱۵۷۶۱۸۴

شماره حساب بانک تجارت شعبه مرکزی کنگان: ۲۶۳۸۰۷۴۴۷۰

۴-**آدرس مناقصه گزار:**

تهران، سعادت آباد، بلوار فرهنگ، خیابان داود رشیدی، ساختمان اصلی پتروپارس، طبقه دوم، واحد امور قراردادهای استان بوشهر، شهرستان کنگان، جاده ساحلی، بین خیابان استقلال و خیابان آزادی، جنب ساختمان اداره گمرک، طبقه همکف، دبیرخانه

شماره تماس: ۰۲۱۲۹۴۴۳۲۶۹-۰۲۱۲۹۴۴۳۲۶۳

روابط عمومی و امور بین الملل گروه پتروپارس





روایت وداع دختران دانش آموز با یک شهید گمنام همزمان با هفته دفاع مقدس

بچه‌ها پای درس معلمی که او را نمی‌شناختند

گزارش

ملیحه محمود خواه

گروه اجتماعی

مراسم آغاز سال تحصیلی امسال، به‌جای حضور میهمانان رسمی، با عطر زیارت عاشورا، گل و کلاب و حضور پیکر شهیدی برگزار شد که نامش برای دانش‌آموزان گمنام بود، اما حضورش در دل آنها ماندگار شد. حیاط مدرسه بهروزان در منطقه ۱۲ تهران، این بار با صدای زنگ کلاس‌ها و تبریک‌های معمول آغاز سال تحصیلی جان نگرفت؛ صبح چهارشنبه هشت مهرماه صدای صلوات و زمزمه زیارت عاشورا در فضای مدرسه پیچید. دختران دانش‌آموز، چغیه بر دوش و شاخه‌های گل در دست، گرد تابوتی جمع شدند که بر دوش خادمان شهدا وارد حیاط شده بود؛ تابوت یک شهید گمنام که پیکرش به‌تازگی در جریان تحفص پیدا شده بود. قرار بود مراسم آغاز سال تحصیلی مدرسه به شکل سال‌های گذشته برگزار شود؛ با حضور یکی از مسئولان دولتی، مدیران شهری یا شهردار منطقه. اما امسال مدیر و کادر مدرسه تصمیم گرفتند برنامه‌آغاز سال تحصیلی را به هفته دفاع مقدس منتقل کنند و به‌جای دعوت از یک میهمان رسمی، میزبان میهمانی باشند که سال‌ها پیش برای آرامش و امنیت همین روزهای دانش‌آموزان از جان خود گذشته است.

صبح آن روز بسیاری از دختران از ماجرای میهمان مدرسه اطلاع دقیقی نداشتند. تنها از طریق پیامی که عصر روز قبل در گروه مدرسه منتشر شده بود، فهمیده بودند که قرار است برنامه‌ای متفاوت برگزار شود. با این حال، صبح زود با گل، کلاب و حال‌وهوایی متفاوت به مدرسه آمدند. بعضی از آنها شاخه‌های گل به همراه داشتند و چند دانش‌آموز نیز پارچه‌ها و تبرک‌هایی را که از سفر گریلا و نجف یا خود آورده بودند، برای حضور در این مراسم آماده کرده بودند.

وقتی پیکر شهید وارد مدرسه شد،

فضای حیاط تغییر کرد. دانش‌آموزان که تا دقایقی قبل در کنار هم مشغول گفت‌وگو بودند، آرام‌آرام اطراف تابوت حلقه زدند. صدای مداحی و زیارت عاشورا بلند شد و دختران، با چشم‌هایی اشکبار، برای شهیدی که نام و نشانی از او نمی‌دانستند، عزاداری کردند.

آغاز سال تحصیلی با یک میهمان متفاوت

خانم فرخی، مدیر مدرسه بهروزان، درباره تصمیم امسال مدرسه می‌گوید: «ما هر سال برای آغاز سال تحصیلی از میهمانان مختلف دعوت می‌کردیم. سال گذشته اعضای شورای شهر تهران و شهردار منطقه ۱۲ در برنامه مدرسه حضور داشتند و امسال هم می‌توانستیم همین مسیر را ادامه بدهیم. اما با توجه به اتفاقاتی که در کشور افتاده بود و حال‌وهوایی که بین بچه‌ها وجود داشت، احساس کردیم برنامه امسال باید متفاوت باشد.»

او می‌گوید: «به این نتیجه رسیدیم که به‌جای دعوت از یک میهمان رسمی، شهیدی را به مدرسه دعوت کنیم؛ میهمانی که حضورش برای بچه‌ها معنا و اثر بیشتری داشته باشد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم مراسم آغاز سال تحصیلی را با هفته دفاع مقدس پیوند بزنیم و میزبان پیکر یک شهید گمنام باشیم.»

بدرقه‌ای با گل و کلاب

برش

در پایان مراسم، دختران به نوبت کنار تابوت رفتند. بعضی شاخه‌های گل خود را روی آن گذاشتند و بعضی با کلاب از میهمان گمنام مدرسه استقبال کردند. چند دانش‌آموز نیز دست‌نوشته‌هایی کوتاه برای شهید نوشته بودند؛ نامه‌هایی که در آنها از آرزوهایشان، خانواده‌هایشان و نگرانی‌هایشان گفته بود.

یکی از دختران هنگام وداع آرام زیر لب گفت: «کاش می‌دانستیم اسمت چیست تا با نام صدايت كنيم.» دانش‌آموز دیگری با جشماني اشکبار گفت: «تو امروز میهمان مدرسه ما بودی، اما دیگر غریبه نیستی.»

پیکر شهید پس از دقایقی از میان جمعیت دانش‌آموزان عبور کرد. دختران تا ورودی مدرسه او را بدرقه کردند و آخرین شاخه‌های گل را روی تابوت گذاشتند. مراسم تمام شد، اما حال‌وهوای آن در مدرسه باقی ماند؛ روی چغیه‌هایی که بر شانه دانش‌آموزان بود، در گلبرگ‌هایی که بر تابوت ریخته شد و در چشم‌هایی که پس از رفتن شهید هنوز خیس مانده بود. مدرسه بهروزان سال تحصیلی را با یک برنامه رسمی و سخنرانی آغاز نکرد؛ دختران متوسطه اول این مدرسه، آغاز سال را با زیارت عاشورا، گل و کلاب و بدرقه شهیدی برگزار کردند که نامش گمنام بود، اما حضورش برای آنها به اندازه یک آشنای قدیمی، نزدیک و آرامش بخش شد.

به گفته مدیر مدرسه، قطعی شدن حضور شهید تا بعدازظهر روز پیش از مراسم طول کشید و پس از آن، موضوع از طریق گروه مدرسه به اطلاع دانش‌آموزان رسید. فرخی می‌گوید: «به بچه‌ها گفتیم فردا میهمان ویژه‌ای داریم، اما جزئیات را کامل نگفتم. صبح که دانش‌آموزان

او اظهار امیدواری کرد حضور شهید باعث شود بچه‌ها به هم نزدیک‌تر شوند و میان آنها وحدت و همدلی بیشتری شکل بگیرد: «دانش‌آموزان ما باید بدانند که برای خدمت به جامعه و کشور، هر کدام می‌توانند نقشی داشته باشند. شهدا به ما یاد می‌دهند که مسئولیت‌پذیری، فداکاری و توجه به دیگران فقط مربوط به یک دوره خاص نیست.»

در میان دانش‌آموزان، بعضی آرامش می‌ریختند و بعضی با اشتک لرزان روی تابوت گل می‌گذاشتند. آنها درباره حرف‌های متفاوتی می‌زدند، اما در بیشتر گفته‌هایشان یک جمله مشترک شنیده می‌شد: «این شهید برای ما غریبه نبود.» زهرا، دانش‌آموز پایه هفتم، گفت: «وقتی فهمیدم قرار است پیکر شهید به مدرسه

انگار یکی از اعضای خانواده‌مان آمده بود

در میان دانش‌آموزان، بعضی آرامش می‌ریختند و بعضی با اشتک لرزان روی تابوت گل می‌گذاشتند. آنها درباره حرف‌های متفاوتی می‌زدند، اما در بیشتر گفته‌هایشان یک جمله مشترک شنیده می‌شد: «این شهید برای ما غریبه نبود.» زهرا، دانش‌آموز پایه هفتم، گفت: «وقتی فهمیدم قرار است پیکر شهید به مدرسه

باید، فکر نمی‌کردم این قدر تحت‌تأثیر قرار بگیرم. اما وقتی تابوت وارد حیاط شد، احساس کردم یکی از اعضای خانواده‌مان آمده است. با خودم فکر کردم شاید مادر این شهید سال‌ها منتظر بازگشت او بوده باشد. دلم می‌خواست کاری کنم که بداند اینجا هم کسانی هستند که او را فراموش نکرده‌اند.»

رمیسا دانش‌آموز پایه هفتم، می‌گوید: «من تا قبل از این مراسم پیکر شهید را از نزدیک ندیده بودم. وقتی بچه‌ها شروع به خواندن زیارت عاشورا کردند، احساس کردم فضای مدرسه کاملاً عوض شده است. همه ساکت شده بودند و هر کسی

برای سارا، دانش‌آموز پایه نهم، این مراسم فرصتی بود تا نگاهش به مفهوم شهید تغییر کند. او می‌گوید: «ما همیشه درباره دفاع مقدس و شهدا در کتاب‌ها و برنامه‌های مدرسه چیزهایی شنیده‌ایم، اما دیدن تابوت یک شهید گمنام حس دیگری داشت. آن لحظه دیگر شهید برارم فقط یک تصویر یا یک اسم در کتاب نبود. احساس کردم یک انسان جوان بوده که آرزو و خانواده داشته و برای دفاع از کشورش از همه چیز گذشته است.»

یکی دیگر از دانش‌آموزان که خود را نرگس معرفی می‌کند، می‌گوید: «من در ابتدا فکر می‌کردم مراسم خیلی عمگین باشد، اما بعد متوجه شدم حضور شهید به ما آرامش

داده است. خیلی از بچه‌ها گریه می‌کردند، ولی بعد از گریه سبک‌تر شده بودند. من هم چند روزی بود که نگرانی‌هایی داشتم و ذهنم آرام نبود. وقتی کنار تابوت نشستم، احساس کردم می‌توانم با خیال راحت دعا کنم.»

شهیدی که دانش‌آموزان او را پیدا کردند

خاتم حیدرنژاد، مسئول بسیج دانش‌آموزی آموزش و پرورش منطقه ۱۲، درباره برنامه‌های حضور شهدا در مدارس می‌گوید: «چند سال است که هم‌زمان با هفته دفاع مقدس و آغاز سال تحصیلی، روایتگری دفاع مقدس در مدارس منطقه برگزار می‌شود. بعضی مدارس درخواست حضور کاروان، مداح و راوی دارند و بعضی مدارس نیز علاقه‌مند هستند میزبان پیکر مطهر یک شهید باشند.»

او توضیح می‌دهد: «امسال به برکت حضور شهید، این برنامه در مدارس مختلف منطقه با استقبال زیادی روبه‌رو شد. بعضی مدیران همان لحظه که از برنامه مطلع می‌شدند، با ما تماس می‌گرفتند و درخواست می‌کردند شهید به مدرسه آنها هم برود. حتی برخی مدارس برای میزبانی از شهید به معراج شهدا نامه می‌زدند.» مسئول بسیج دانش‌آموزی منطقه ۱۲ درباره تأثیر این برنامه بر دانش‌آموزان

می‌گوید: «گاهی ممکن است تصور شود حضور پیکر شهید در مدرسه باعث ناراحتی بچه‌ها می‌شود، اما آنچه ما در مدارس می‌بینیم، بیشتر از جنس آرامش است. دانش‌آموزان با شهید ارتباط برقرار می‌کنند؛ انگار که او را از نزدیک می‌شناسند. بعضی از آنها شهید را مانند برادر خود می‌بینند، بعضی مانند فرزند یا عضوی از خانواده. این ارتباط معنوی باعث می‌شود بچه‌ها برای دقایقی از دغدغه‌های روزمره فاصله بگیرند و با خودشان خلوت کنند.»

حیدرنژاد می‌گوید: «دانش‌آموزان امروز آرزوها، نگرانی‌ها و مسائل خاص خودشان را دارند. آنها دنبال یک تکیه‌گاه و نیروی معنوی هستند. حضور شهید، این فرصت را برایشان فراهم می‌کند که با دل آرام دعا کنند و احساس کنند تنها نیستند. من در مدارس مختلف دیدم که دانش‌آموزان با دیدن پیکر شهید گریه کرده‌اند، اما این گریه همراه با آرامش بوده است؛ گویی یک فشار روحی از آنها دور شده است.»

خودش، زندگی باثباتی داشته باشد. مادر محمدرضا به سختی‌های تأمین پانسمان‌های تخصصی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دسترسی به پانسمان‌ها همیشه دشوار بوده؛ اما حاج‌آقا و همکارانشان در خانه‌ای بی‌در تمام این سال‌ها، بویژه در روزهای بحرانی جنگ رمضان، شبانه‌روز برای رساندن این اقلام به دست ما تلاش کرده‌اند. حتی در شرایطی که دسترسی بسیار سخت بود، آنها به هر طریق ممکن نیازهای دارویی و پانسمان بچه‌ها را مدیریت می‌کردند. در مواردی که ناچار می‌شوم برخی اقلام را شخصاً تهیه کنم، قدر این تلاش‌های بی‌وقفه را بیشتر درک می‌کنم.»

گرامتی که تبدیل به سرپناه شد

فاطمه الطافی یکی دیگر از بیماران پروانه‌ای است که به همراه همسرش که او هم درگیر این بیماری است، پس از سال‌ها زندگی در شرایط سخت، اکنون با دریافت گرامت، بار بزرگی از دوشش برداشته شده است.

او درباره روند دریافت این گرامت می‌گوید: «از سالی که مدیرعامل خانه‌ای، درخواست تقویرض وکالت برای پیگیری حقوقی در مراجع بین‌المللی را مطرح کردند، ما با اعتماد کامل این کار را انجام دادیم. خوشبختانه با حمایت‌های قوه قضائیه، رأی به نفع بیماران صادر شد و اکنون این مبلغ به حساب ما واریز شده است.» الطافی درباره تأثیر این مبلغ بر کیفیت زندگی‌شان می‌گوید: «شاید این مبلغ برای برخی رقم چشمگیری نباشد، اما برای ما که زوجی پروانه‌ای هستیم و پیش از این دغدغه‌های فراوان معیشتی داشتیم، گره‌گشای بزرگی بود. ما مستأجر بودیم و با همین مبلغ توانستیم سرپناهی تهیه کنیم که امنیت و آرامش بیشتری برای زندگی مشترکمان فراهم کرده است؛ این برای من همسر و سه سال‌ها با مشکلات مختلفی دست‌وپنجه نرم کرده‌ایم، اتفاق بسیار امیدبخشی بود.»

او با تأکید بر اینکه حمایت‌های خانه‌ای بی‌وقفه محدود به مسائل مالی نبوده است، توضیح می‌دهد: «در طول هفت سال زندگی مشترکمان، همیشه شاهد تلاش‌های بی‌وقفه مدیرعامل خانه‌ای بی‌و همکارانشان بوده‌ایم. حتی در روزهای سخت تحریم و دوران بحرانی که دسترسی به پانسمان به حداقل رسیده بود، مسئولان و مددکاران این مجموعه لحظه‌ای ما را تنها نگذاشتند و با مدیریت جهادی، اقلام مورد نیاز ما را تأمین کردند.»

این بیمار پروانه‌ای با تقدیر از مسئولان کشور گفت: «همسرم با شغل مسافرجویی بار زندگی را به دوش می‌گشدد، اما در تمام این سال‌ها همپای هم بودیم و ما با حمایت‌های دولت و خانه‌ای توانستیم شرایط را مدیریت کنیم. مهم‌ترین دغدغه ما همچنان تأمین پایدار پانسمان‌هاست که امیدواریم با رفع تحریم‌های دارویی، این مسیر هموارتر شود.»

قل قول

بدان
که
نیست

A portrait of a man with a grey beard and mustache, wearing a blue suit jacket over a purple shirt. He is looking directly at the camera with a neutral expression. The background is a plain, light color.

پیام سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
برای سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های کودکان و نوجوانان

همایون شجریان قطعه «می تراود مهتاب» را با شعری از نریمان یوشیچ و آنتناسیاز مجید درخشانی برای همراهی با «پیش از آنکه تاریک شود» منتشر کرد. این قطعه با نوازندگی تار و سه تار مجید درخشانی و همراهی نوازندگان ارکستر سمفونیک ساخته شده است. قطعه «می تراود مهتاب» قرار بود توسط نوازنده تار محمدضیا شجریان اجرا و منتشر شود اما امکانپذیر نشد و پس از ۲۸ سال که توسط همایون شجریان به عنوان «صدای شاهد» اجرا شده بود، منتشر شد. **ایستاد**

علیرضا قربانی خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی تک آهنگ جدید خود با آدا احترامی به حضرت مولانا و همکاری فرهنگیان ترک منتشر کرد. تک آهنگ جدید علیرضا قربانی با نام «سرو خرامان» با شعرى از مولانا در ۸ مهر ۱۴۰۵ منتشر شد.

ملودی کاوا این اثر اقتباسی از اثر زنده یاد ابراهیم شریف زاده خواننده پیشگام موسیقی خراسان و بازاریبی و تنظیم مست ناصری و جوشکن کارامید است. **همچرا**

سی و نهمین جشنواره فیلم توکیو فهرست فیلم‌های جشنواره و رتبه‌بندی خود را اعلام کرد و نوید محمدزاده با اولین فیلم بلندش با عنوان «من واقعاً چیز خاصی نیستم» و سهیل کریمی با فیلم «نقره» در بخش آینده آسیا این جشنواره معتبر حاضر خواهند بود. پیش از این حضور فیلم «خانه دوسو کیلومتر؟» ساخته عباس کیارستمی در بخش فیلم‌های محبوب آکیرا کوروساوا اعلام شده بودند.

سی و نهمین جشنواره فیلم توکیو از ۲۶ آکتبر تا ۳ نوامبر (۱۳ تا ۲۴ آبان) در ژاپن برگزار خواهد شد. **ایستاد**

نیم قرن در جست و جوی زبان مستند



گزارش ●

گروه فرهنگی

محمد ضابطی جهرمی پس از بیش از پنج دهه فعالیت در سینما، آموزش و پژوهش، شرمندگی، نفعان عالی خورشیدی، ادراکات قدس، نشانی و گین ایار نه صرفاً برای مجموعه‌ای از فیلم‌ها که تا بابت، بلکه برای کارنامه اهدا شد که بخش مهمی از آن در کلاس روز «پژوهش و تئاتر برای تبیین زبان و ماهیت سینمایی» شکل گرفته است. آیین ششمین همایش «همه‌ای خورشید» روز پنجشنبه نهم مهرماه حضور جمعی از مدرران فرهنگی و سینمایی، مستندسازان، پژوهشگران و اهالی رسانه در سالن «مدرسه» سینما خورشیدی در مرکز دولتی، عظیمه مهرجانی سخنگوی دولت، هماهون سیدیان مدیرعامل خانه سینما، محمد مهدی سمسگر روبرو مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و فاطمه محمدی مدیرعامل موزه سینمای ایران و فاطمه حبیبی مقدم مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پروانمایی از حاضران به میزبانی برگزار شد. مراسم به میزبانی حامد شکیبانیان، مستندساز موزه

فرهنگ؛ زبان مشترک دو ملت ایران و روسیه

یادداشت



روابط ایران و روسیه، رابطه‌ای صرفاً میان دو دولت همسایه نیست. پشتوانه این روابط، تجارت، دانش، ادبیات و شناخت متقابل در سطح است. در این میان، فرهنگ طبیعی‌ترین و ماندگارترین زبان گفت‌وگو میان ایرانیان و روس‌هاست؛ زبانی که پیش از به کارگیری از سوی سیاستمداران، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، اندیشمندان و مردم دو سرزمین از طریق آن با یکدیگر سخن گفته‌اند.

روابط تاریخی دو کشور به پیش از پانصد سال بازمی‌گردد. از حضور ادبیات فارسی در فضای فرهنگی روسیه تا گسترش مطالعات ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های این کشور و از سوی دیگر ترجمه آثار ادبی روسی به فارسی، این ارتباط همواره یکی از پایه‌های شناخت متقابل بوده است.

ایرانیان، نام‌هایی چون الکساندر پوشکین، لئو تولستوی، فئودور داستایفسکی و آنتوان چخوف بخش مهمی از تجربه فرهنگی چند نسل را شکل داده‌اند. در سوی دیگر، فردرئوسی، سعدی، حافظ، خیام و نظامی نیز در فضای فرهنگی روسیه شناخته شده هستند.

ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای در سده‌های اخیر شناسایی این کشور دارد. این رفت‌وآمد فرهنگی نشان می‌دهد دو ملت می‌توانند یکدیگر را صرفاً از دریچه سیاست و اقتصاد، بلکه از مسیر فرهنگ و تجربه انسانی بشناسند.

نظرفیت‌های راهبردی و رویدادهای

بان فارسی، ایران شناسی و میراث مکتوب،
 و نشان می دهد همکاری فرهنگی تهران و مسکو
 در سطح عرضه متقابل رفاه رفته و به تولید
 دانش، ایده و پروژه های مشترک منجر می شود.
 در سنت پترزبورگ نیز همین نگاه دنبال می شود؛
 دیدار وزرای فرهنگ دو کشور، برگزاری کمیته
 مشترک فرهنگی و امضای موافقتنامه تولید
 مشترک فیلم، نمونه هایی از تبدیل اشتراکات به
 سازوکارهای پایدار همکاری هستند.

**روزش های مشترک تمدنی
و مکمل های سیاسی**

ایران و روسیه هر دو از تمدن هایی با حافظه تاریخی عمیق برخوردارند. در هر دو جامعه، فرهنگ بخشی از تعریف جامعه از تاریخ، هویت و جایگاه خود در جهان است. همین ویژگی، بنیانی برای گفت وگویی عمیق تر میان دو ملت است.

فرهنگی همچون مکمل روابط سیاسی و اقتصادی است. هیچ توافق اقتصادی بدون شناخت متقابل و اعتماد اجتماعی باطل نمی شود و هیچ رابطه سیاسی پایدار از ارتباط سیاسی ملت‌ها بی نیاز نیست. هرچه ایران، روسیه را بهتر بشناسند و روس‌ها، ایران را بدوند واسطه تجربه کنند، زمینه برای گسترش تعاملات در حوزه‌های علمی، دانشگاهی، گردشگری، رسانه‌ای، اقتصاد و فناوریانه فراهم‌تر خواهد شد.

این واقعیت در شرایط کنونی روابط بین الملل اهمیت بیشتری دارد. جمهوری اسلامی ایران در سه سال‌های اخیر شاهد موضوع و اقدامات ندراسیون روسیه در مجامع بین‌المللی در حمایت از حاکمیت ملی ایران و مخالفت با توسل به زور بوده است. پیوسته در جریان مجاورت رژیم اسرائیل و آمریکا به ایران، روسیه

ارزش‌های مشترک تمدنی

در شورای امنیت موضوعی صریح در محکومیت این اقدامات اتخاذ کرد و این حملات را مغایر با منشور ملل متحد و حقوق بین الملل دانست. طبیعی است که در حفظه سیاسی ایران، این مواضع مورد توجه قرار گیرد؛ اما آنچه در دانشگاه‌ها، هنرمندان، رسانه‌ها و نسل جوان کشور است، فرهنگ می‌تواند آنچه را در سطح سیاست آغاز شده، در سطح جامعه استمرار بخشد.

کاروان فرهنگی منادیان میناب در

برگزاری روزه‌های فرهنگی ایران در روسیه بخشی از یک مسیر بلندمدت است که در آن، چهار شهر مازان، عرصه دیدار ایرانیان و روس‌ها هستند. این عرصه دیدار موسیقی ملی ایران به حضور ۶۰ هنرمند، نمایش صنایع دستی، نمایش‌های سینمایی و نشست‌های علمی، تفریحی برای آشنایی مستقیم جامعه روسیه با ایران است.

در این میان، کارگاه جاذبه‌ای و پژوهی دارد. این شهر در سال ۲۰۲۶ میلادی رویدادهای مهم فرهنگی در جهان اسلام است و همزیستی فرهنگ‌های مختلف در تاتارستان، آن را به بستری مناسب برای گفت‌وگو تبدیل کرده است. استراخان نیز به واسطه موقعیت تاریخی در حوزه فرهنگ، حلقه دیگری در این زنجیره است. گسترش جغرافیای برنامه‌ها به کاروان استراخان، عامل پیامی روشن درباره ضرورت توجیه به ابعاد منطقه‌ای و مردمی روابط است.

یکی از عرصه‌های تحول آفرین، سینما و صنایع فرهنگی است. تفریح برای تولید مشترک فیلم و نشست‌های حرفه‌ای، امکان شکل‌گیری پروژه‌هایی را فراهم می‌کند که علاوه بر نزدیکی

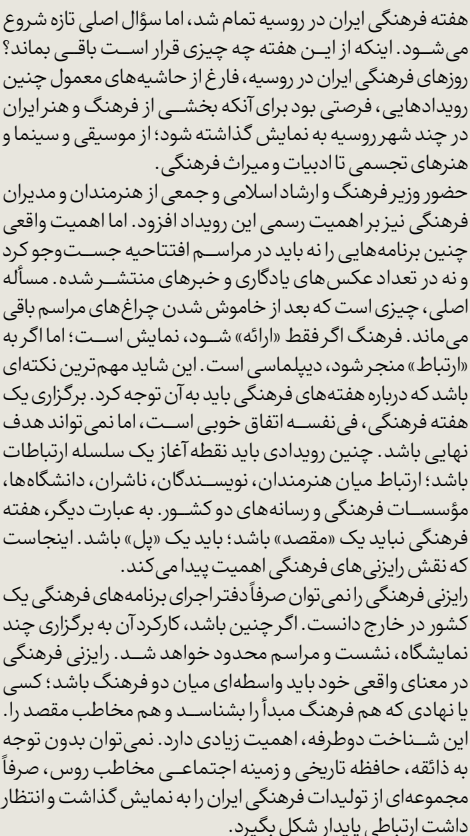
دو
زبان
خدا
است
نگاه
مخ
چند
مر
امر
نی
مت
باش
با
مس
و
سف
ای
که
منا
جا
که
این
آن
با
می
بر
فر
ش
این
در
اند
طو

زار، روایت‌های مشترک دو جامعه را به میان دیگر کشورها منتقل کنند. همین حوزه دانشگاه و میراث مکتوب نیز جاری است؛ احیای «اتاق ایران» در «مؤسسه نسخ شرقی» سنت پترزبورگ و نشست‌های فارسی، سرمایه‌گذاری بر حافظه مشترک محسوب می‌شوند.

م‌انداز آینده روابط فرهنگی و

بیش از هر زمان به دیپلماسی فرهنگی داریم؛ دیپلماسی‌ای که در شناخت ملل و احترام به تنوع تمدنی استوار است. در جهان معاصر، پهنی راه مقابله به راه‌های رسانه‌ای، ایجاد امکان دیدار بین ملت‌هاست. هنرمندان، دانشمندان و جوانانی که از این مسیر گام برمی‌دارند، می‌توانند واقعی پیوند دو جامعه هستند. و روسیه امروز در مرحله‌ای هستند که فیت‌های همکاری آنها بسیار فراتر از سطح سنتی است. براساس متن معاهده مشارکت راهبردی، همکاری دو کشور به پیوند عمیق تبدیل خواهد شد. به گونه‌ای که نزدیک‌تر از پدر و پسر باشند. فرهنگ، یکی از اصلی‌ترین زیرساخت‌های توسعه و ملت‌زنگی دارند و روسیه به تفاوت، اشتراکات آینده‌ای مبتنی برام و همکاری استفاده کنند. روزهای ایران در روسیه، فرصتی برای دیدن و بهتر شناختن یکدیگر است. پیام، یاد این است که روابط دو کشور صرفاً به‌تخت‌ها تعریف نمی‌شود، بلکه ریشه در فرهنگ و پیوندهای عمیق مردمی دارد که تاریخ شکل گرفته و پایدار خواهد ماند.

فرهنگ؛ سفری که باید بماند



● تحلیل فرهنگی روز

رضا صائمی

دبیر گروہ فرهنگی

فرهنگ؛ سفری که باید بماند

دکاست در جمع بندی نهایی و فصل دهم که «نتیجه گیری» نام دارد، مهم ترین نکات کلیدی اثر را گردآوری کرده و «هشدارهای پیوسته» با شرط یک سراسر سلامت قریب به ۳۰۰ مورد را در این بخش بیان کرده است. در این بخش، نویسنده به بیان مشکلات و چالش‌های موجود در زمینه‌های مختلف پرداخته و راهکارهای پیشنهادی را ارائه می‌دهد. این مسائل به این دلیل است که فناوری‌ها با سرعت در حال پیشرفت هستند و چندان تغییراتی نیازمند آن است که مردم، سازمان‌ها و دولت‌ها پیش از آنکه رخ دهد، چندان پیشگیری انجام دهند. کونال داس در فصل پایان به عنوان «منابع برای مطالعات بیشتر»، با معرفی منابع معتبر و اینترنتی مشتمل بر کتاب‌ها، مقالات، وب‌سایت‌های بررسی واقعیت و ابزارهایی برای تأیید اعتبار، به مخاطبان راه‌های بیشتری برای یادگیری و افزایش اطلاعات از این زمینه نشان می‌دهد.

دبیر انجمن واردکنندگان خودرو در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد

پشت پرده مخالفت ها با واردات خودرو

برخی از ممنوعیت واردات سودمی برند و بعضی هم می خواهند با کاهش درآمدها دولت را زمین گیر کنند



دولت روی درآمدهای حاصل از واردات خودرو برنامه‌ریزی کرده است. بنابراین وقتی مرتب در فرآیند واردات اختلال ایجاد می‌شود، فقط واردکننده یا مصرف‌کننده آسیب نمی‌بیند؛ درآمد پیش‌بینی‌شده دولت هم محقق نمی‌شود. این مسأله می‌تواند از دو طرف اثر بگذارد؛ از یک طرف آرامش بازار و ذهن مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرف دیگر مانع تحقق بخشی از درآمدهای دولت می‌شود



اما معتقد است «این استدلال‌ها هرچقدر هم تغییر کنند، یک نتیجه مشترک دارند: عقب‌انداختن پاسخ به تقاضای بازار.» او می‌گوید: «اگر واردات خودرو واقعاً عامل افزایش فشار ارزی است، باید یک‌بار آن را متوقف کرد و دید آیا با حذف خودرو از فهرست واردات، نرخ ارز و انتظارات تورمی واقعاً تغییر می‌کند یا خیر؟» دادفر در گفت‌وگو با «ایران» همچنین از پیامدهای محدود کردن واردات خودروهای کارکرده و خودروهای متعلق به ایرانیان خارج از کشور می‌گوید و معتقد است: «تعداد اظهارنظرها درباره واردات، بیش از آنکه به تنظیم بازار کمک کند، بر نااطمینانی موجود دامن می‌زند.»

اقتصادی را به موضوعی سیاسی تبدیل کرده‌است.

اما مخالفان واردات معمولاً استدلال دیگری مطرح می‌کنند: اینکه در شرایط تحریم و محدودیت منابع، اولویت کشور باید کالاهای اساسی و دارو باشد، نه خودرو. این استدلال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

این دوموضوع اصلاً ارتباطی با یکدیگر ندارند. اخیراً به صحبت‌هایی از یکی از کارشناسان حوزه تحریم استناد شده بود که مضمون آن این بود که کالاهای مصرفی نباید در اولویت واردات قرار بگیرند. بعد این استدلال مطرح شده بود که در کشور با کمبود دارو و برخی کالاهای ضروری مواجهیم، اما آخرین مدل خودروها وارد می‌شوند. سؤال این است که آیا واردات خودرو باعث می‌شود واردات دارو متوقف شود؟ اگر یکی واردکننده خودرو به منابع ارزی خودش خودرو وارد کند، اگر جلوی او را بگیریم، همان فرد به سراغ واردات دارو و تجهیزات پزشکی می‌رود؟ موضوع چه اهمیتی دارد؟

بله یک بخش دیگر ماجرا این است که دولت روی درآمدهای حاصل از واردات خودرو برنامه‌ریزی کرده است. بنابراین وقتی مرتب در فرآیند واردات اختلال ایجاد می‌شود، فقط واردکننده یا مصرف‌کننده آسیب نمی‌بیند؛ درآمد پیش‌بینی‌شده دولت هم محقق نمی‌شود. این مسأله می‌تواند از دو طرف اثر بگذارد؛ از یک طرف آرامش بازار و ذهن مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرف دیگر مانع تحقق بخشی از درآمدهای دولت می‌شود. بنابراین اگر کسی با هدف ضربه‌زدن به دولت این روند را دنبال کند، در عمل یک مسأله

از این مخالفت‌ها ممکن است با هدف ایجاد نگرانی درباره افزایش هزینه زندگی و ناراضیانی مردم دنبال شود و بخش دیگری هم منافع اقتصادی دارد؛ یعنی برخی افراد از نبود خودروهای وارداتی در بازار سود می‌برند. من سال‌هاست درگیر موضوع خودرو هستم و هر دو جریان را دیده‌ام. اگر کسی تصور می‌کند با واردنشدن خودرو مشکلات اقتصادی کشور حل می‌شود، نرخ ارز اصلاح می‌شود یا شرایط بازار بهبود پیدا می‌کند، من می‌گویم

تازه‌ای نیست و تقریباً هر سال یک بهانه جدید برای آن مطرح شده است. یک روز گفته می‌شود ارز نداریم، یک روز گفته می‌شود واردات خودرو تقاضای ارزی ایجاد می‌کند و امروز هم گفته می‌شود تقاضای ارز برای خودرو تشدید شده است. اگر واقعاً معتقدند واردات خودرو چنین اثری دارد، واردات را متوقف کنند و بعد ببینند آیا منابع ارزی آزاد می‌شود و قیمت ارز پایین می‌آید یا خیر؟! به نظر من این بازی بالاخره یک روز تمام می‌شود. مسأله این است که تا چه زمانی قرار است در برابر پاسخگویی به تقاضای بازار و نیاز مردم ایستادگی کنیم؟ مردم سال‌هاست منتظر واردات خودرو هستند و هر بار با یک استدلال جدید مواجه می‌شوند.

اخیراً این استدلال مطرح شده که تقاضای ارز برای واردات خودرو می‌تواند انتظارات تورمی را تشدید کند. از نظر شما این استدلال تا چه اندازه قابل قبول است؟

اگر خودرو وارد نشود، چه اتفاقی برای بازار ارز می‌افتد؟ آیا با کاهش تقاضای ارز برای واردات خودرو، قیمت ارز کاهش پیدا می‌کند یا ثابت می‌ماند؟ این پرسشی است که باید به آن پاسخ داده شود. جلوگیری از واردات خودرو با استدلال‌های مختلف، موضوع تازه‌ای نیست و تقریباً هر سال یک بهانه جدید برای آن مطرح شده است.

یک روز گفته می‌شود ارز خودرو تقاضای ارزی ایجاد می‌کند و امروز هم گفته می‌شود تقاضای ارز برای خودرو تشدید شده است. اگر واقعاً معتقدند واردات خودرو چنین اثری دارد، واردات را متوقف کنند و بعد ببینند آیا منابع ارزی آزاد می‌شود و قیمت ارز پایین می‌آید یا خیر؟! به نظر من این بازی بالاخره یک روز تمام می‌شود. مسأله این است که تا چه زمانی قرار است در برابر پاسخگویی به تقاضای بازار و نیاز مردم ایستادگی کنیم؟ مردم سال‌هاست منتظر واردات خودرو هستند و هر بار با یک استدلال جدید مواجه می‌شوند.

شما معتقدید مخالفت با واردات خودرو فقط یک موضوع اقتصادی نیست؟

بله. در این حوزه با دو گروه مواجه هستیم. عده‌ای برای اینکه خودرو وارد نشود، هزینه می‌کنند و عده‌ای هم از واردنشدن خودرو منتفع می‌شوند. هر کدام هم به شیوه خودشان عمل می‌کنند. بخشی

خبر خودرو

جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته

در خصوصی سازی صنعت خودرو



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با تأکید بر ضرورت کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری سهام سایپا به بخش خصوصی واقعی، اظهار کرد: «مجلس با نگاهی دقیق و با درس‌گیری از تجربیات ناموفق گذشته، اجازه نخواهد داد واگذاری‌های آتی منجر به ایجاد رانت‌های جدید شود.»

مصطفی پوردهقان با اشاره به تکالیف قانونی مجلس در حوزه خصوصی‌سازی بیان کرد: «مجلس دولت را موظف کرده است که با کاهش تصدی‌گری در صنعت خودرو، سهام خود را به بخش خصوصی و بویژه گروه‌هایی که دارای اهلیت لازم هستند،

واگذار کند.» او در ادامه تأکید کرد: «هدف از این اقدام، اصلاح ساختار مالکیت و ایجاد رقابت سالم در بازار است.» عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اشاره به تجربه واگذاری ایران خودرو، تصریح کرد: «کمیسیون صنایع، تجربیات گذشته را به‌دقت بررسی کرده است، چراکه واگذاری‌های پیشین درس‌های بسیاری به ما آموخت و به همین دلیل، مجلس بر نظارت دقیق و رعایت تمامی ملاحظات در فرآیند واگذاری سایپا پافشاری می‌کند تا از تکرار چالش‌های دوران گذشته جلوگیری شود.»

به گزارش خبرخودرو، پوردهقان در تشریح شرایط واگذاری سایپا، بر دو رکن اهلیت مالی و تخصص تأکید کرد و گفت: «باید توجه داشت که خریداران آینده نباید صرفاً به دنبال بهره‌برداری از امتیاز انحصار در بازار باشند؛ بلکه متقاضیان باید توانمندی مالی و همچنین قابلیت ایجاد ارزش‌افزوده برای شرکت را داشته باشند.»

این نماینده مجلس در پایان بر لزوم شفافیت روش اجرای واگذاری نیز تأکید کرد و گفت: «فرآیند واگذاری سایپا از طریق بورس انجام خواهد شد و اولویت اصلی در این مسیر، واگذاری سهام تودلی (سهامی که شرکت‌های زیرمجموعه از شرکت مادر دارند) است.»

ماشین وارداتی

تویوتا پرادو ۲۰۲۶

آفرودر ژاپنی در لباس شهری



هفتمین نمایشگاه خودرو تهران فقط محل نمایش خودروهای تازه‌وارد نیست؛ گاهی یک نام قدیمی هم با چهره‌ای تازه در برابر بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد. تویوتا پرادو ۲۰۲۶ یکی از همین خودروهاست. شاسی‌بلندی که در نس‌ساخته از میان دو دنیای متفاوت حرکت می‌کند: ساختار و پیشینه آفرودی از یک سو و استفاده روزمره و شهری از سوی دیگر. تویوتا برای این نسخه از پرادو سراغ یک موتور چهار سیلندر توربوشارژر ۲.۴ لیتری بنزینی رفته است. این پیش‌سازنه توان تولید ۱۴۷ اسب‌بخار قدرت و ۴۳۰ نیوتن‌متر گشتاور را دارد و با یک گیربکس هشت سرعته اتوماتیک همراه شده است. با توجه به ابعاد و وزن خودرو، این اعداد برای یک شاسی‌بلند بزرگ قابل توجه هستند. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت پرادو

۲۰۲۶ حدود ۷.۷ ثانیه اعلام شده و مصرف سوخت ترکیبی آن نیز حدود ۱۰.۶ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر عنوان شده است. البته استفاده از موتور توربوشارژر در بازارهایی مانند ایران، موضوع کیفیت سوخت را به یکی از نکات قابل توجه در استفاده بلندمدت از خودرو تبدیل می‌کند. چهره خودرو بیش از آنکه بر ظرافت‌های طراحی تأکید داشته باشد، بر انبعا، استحکام ظاهری و هویت شناخته‌شده خانواده پرادو تکیه می‌کند. این شاسی‌بلند در کابین نیز تلاش کرده فاصله مناسب یک خودروی آفرودی و یک وسیله نقلیه مناسب استفاده روزمره را کمتر کند. استفاده از کلبه‌های فیزیکی متعدد نیز نشان می‌دهد تویوتا در این نسل همه کنترل‌ها را به نمایشگر مرکزی منتقل نکرده است؛ رویکردی که در یک خودرو با ماهیت آفرودی می‌تواند کاربردی باشد. سه ردیف صندلی، امکان جابه‌جایی شش تا هفت سرنشین را فراهم می‌کند، هرچند فضای ردیف سوم مانند بسیاری از شاسی‌بلندهای این ابعاد، پیش از آنکه برای سفرهای طولانی چند نفر بزرگسال طراحی شده باشد، برای استفاده‌های متنوع خانوادگی در نظر گرفته شده است. در کنار این موارد، کیفیت برخی متریال کابین و سطح عایق‌بندی را نمی‌توان بی‌نقص دانست و این بخش در کنار نقاط قوت خودرو، جای بررسی بیشتری دارد. گروز کنترل تطبیقی، رادار نقطه‌کور، هشدار خروج از خط، رنمز اضطراری هوشمند و دوربین ۳۶۰ درجه از جمله این تجهیزات هستند. توهو سه‌گانه، گرم‌کن صندلی‌ها و سقف پانوراما یا سانروف نیز بسته به نسخه خودرو در نظر گرفته شده‌اند.

پس از نظر شما مسأله اصلی، نحوه تأمین ارز و مدیریت بازارهاست، نه اینکه یک کالای مصرفی را در مقابل کالای دیگر قرار دهیم؟

دقیقاً. اگر قرار است درباره دارو نگرانی وجود داشته باشد، باید بازار دارو و زنجیره تأمین آن را بررسی کرد. اگر مشکل کمبود یا قیمت دارو وجود دارد، باید علت آن مشخص شود و برای آن راه‌حل پیدا شود. همین موضوع درباره خودرو هم صادق است. واردات خودرو یک فرآیند اقتصادی مشخص دارد و نمی‌توان با متصل کردن آن به حوزه‌هایی مانند دارو، اصل مسأله واردات را زیر سؤال برد.

در مورد واردات خودروهای کارکرده و همچنین واردات خودرو توسط ایرانیان خارج از کشور، آخرین وضعیت را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا احتمال توقف این رویه وجود دارد؟

متأسفانه دوباره رزمه‌هایی درباره محدودکردن این مسیرها مطرح شده و باز هم همان استدلال همیشگی یعنی نبودن از مطرح می‌شود. اما در مورد ایرانیان خارج از کشور، بحث این است که خودرو با منابع متعلق به خود افراد وارد می‌شود. وقتی خودرو با منابع خود فرد خریداری می‌شود، اینکه بگوییم ارز نداریم، چندان قابل فهم نیست. ما باید دقیقاً مشخص کنیم تصمیم‌گیرنده این حوزه چه نهادی است و چه کسی باید درباره واردات خودرو اظهارنظر کند. اگر بانک مرکزی درباره سیاست ارزی صحبت می‌کند، قابل درک است، اما تنظیم بازار خودرو سیاست‌گذاری واردات خودرو موضوعی است که نهادهای مسئول این حوزه باید درباره آن تصمیم بگیرند. با اینکه بیش از دو سال است که ارزی اصلاً به واردات خودرو اختصاص داده نشده و خودروهایی که وارد می‌شوند ارز آنها از طریق ارز اشخاص تأمین می‌شود.

باین حال، اخیراً درباره محدودیت واردات خودروهای لوکس هم صحبت‌هایی از سوی مسئولان مطرح شده است. آیا این اظهارات را به معنای احتمال محدودشدن واردات می‌دانید؟

وقتی یک مسئول درباره محدودیت واردات صحبت می‌کند، باید دید آیا اساساً مسئولیت و اختیار آن موضوع را دارد یا خیر؟ اگر وزارت صمت و دستگاه‌های متولی تنظیم بازار خودرو در حال سیاست‌گذاری هستند، بهتر است اجازه داده شود این دستگاه‌ها کار خودشان را انجام دهند. ممکن است ما با همه تصمیمات مسئولان این حوزه موافق نباشیم، اما مسئولیت سیاست‌گذاری و اجرای آن باید مشخص باشد. وقتی یک دستگاه مسئول است، باید اجازه داد تصمیم بگیرد و پاسخگو تصمیم خودش هم باشد.

یعنی از نظر شما تعدد اظهارنظرها درباره واردات خودرو، خودش به بازار آسیب می‌زند؟

قطعاً. بازار خودرو به اندازه کافی تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد و وقتی هر روز یک اظهارنظر جدید درباره واردات، ارز یا محدودیت‌های احتمالی مطرح می‌شود، این مسأله می‌تواند بر فضای ذهنی بازار اثر بگذارد. موضوع واردات خودرو فقط واردات چند دستگاه خودرو نیست. این موضوع هم به درآمد دولت مربوط می‌شود، هم به تنظیم بازار و هم به آرامش ذهنی مردم. بنابراین هر تصمیم یا اظهارنظری درباره آن باید با دقت و از سوی نهاد مسئول مطرح شود. در مورد خودروهای کارکرده هم باید اجازه داد سازوکاری که برای آن طراحی شده، اجرا شود. اگر قرار است محدودیتی ایجاد شود، باید مبنای روشن و قابل دفاع داشته باشد؛ نه اینکه هر بار با طرح یک مسأله جدید، مسیر واردات تغییر کند.

بانک مرکزی به واردات خودرو ارز نمی‌دهد

دستیار رئیس کل بانک مرکزی با تشریح اولویت‌های تأمین ارز کشور اعلام کرد: «در شرایط محدودیت منابع ارزی، تأمین نیازی ضروری در اولویت قرار دارد و بانک مرکزی در شرایط فعلی ارزی برای واردات خودرو تخصیص نداده است.»

مهدی دارابی درباره ارزی که تحت عنوان واردات خودرو توسط اشخاص مقیم خارج از کشور وارد می‌شود نیز گفت: «بسیاری اظهار می‌کنند ارزی که تحت عنوان واردات خودرو توسط اشخاص مقیم خارج از کشور وارد می‌شود، متعلق به افرادی است که در خارج از کشور زندگی می‌کنند. اولاً، این ارز معمولاً از کف بازار جمع‌آوری می‌شود؛ ثانیاً، شخص مقیم خارج از کشور با استفاده از ارز موجود در حساب خارجی خود، خودرو را وارد می‌کند.»

به گفته دارابی، «پس از ورود خودرو به کشور، واردکننده باید حقوق ورودی را در ریال پرداخت کند و از آنجا که خودرو در داخل ایران مورد استفاده فرد مقیم خارج از کشور قرار نمی‌گیرد، در نهایت آن را در بازار ایران به فروش می‌رساند و در ازای آن ریال دریافت می‌کند.» او ادامه داد: «این فرد مقیم خارج، ریال حاصل از اصل سرمایه، سود و هزینه حقوق ورودی را در ایران نگهداری نمی‌کند؛ خودرویی که به عنوان مثال با قیمت ۳۰ هزار دلار خریداری شده در نهایت با مبلغ ریالی معادل مثلاً ۶۰ هزار دلار جهت خروج از کشور تبدیل به ارز شده و منابع ارزی که یک بازار را جمع‌آوری می‌کند، چرا که ریال برای اشخاص مقیم خارج از کشور کاربردی ندارد.»

دارابی تأکید کرد که بانک مرکزی با اصل واردات خودرو مخالفتی ندارد و گفت: «تنها ملاحظه موجود این است که در برخی مواقع، موانع و محدودیت‌های ارزی ایجاد می‌کند که واردات خودرو محدود شود.» او همچنین بر ضرورت شفاف بودن سازوکار واردات تأکید کرد و گفت: «توجه اگر قرار است واردات خودرویی صورت گیرد، شیوه انجام آن کاملاً مشخص و شفاف باشد. همچنین لزومی ندارد که رانت واردات خودرو به افراد مقیم خارج از کشور واگذار شود چرا که فرد مقیم خارج حتماً ریال حاصله را به از تبدیل خواهد کرد.»

قرمز ساخت برمیو دیده می‌شوند؛ ترکیبی که قرار است شخصیت اسپرت این کوپه را پررنگ‌تر کند. در واقع، اگرچه پریلود جدید قرار نیست یک خودروی کاملاً متفاوت باشد، اما هوندا تلاش کرده نسخه Limited Edition از فاصله نسبتاً زیادی قابل تشخیص باشد. رنگ‌های مشکی در کنار قرمز تیره بدنه و کالیپرهای برمیو، ظاهر این خودرو را از نسخه استاندارد متمایز می‌کند.

این رویکرد برای محصولی که قرار نیست به یک نسخه عملکردی مانند Type R تبدیل شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هوندا در این نسخه تلاش کرده جذابیت بصری پریلود را افزایش دهد و در عین حال، بخشی از ویژگی‌های فنی مدل را نیز حفظ کند.

قرمز فقط برای بدنه نیست

تغییرات به بیرون خودرو محدود نمی‌شود. داخل کابین نسخه Limited Edition، هوندا از تم رنگی Type R استفاده کرده است؛ ترکیبی با رنگ بورگاندی که فضای کابین را نسبت به نسخه استاندارد لوکس‌تر و متفاوت‌تر نشان می‌دهد.

برش

برش

تاریخچه شرکت‌ها

آستون مارتین؛ یک قرن اشرافیت

از کارگاهی کوچک تا ناماد لوکس بریتانیایی



گروه خودرو

نام آستون مارتین برای علاقه‌مندان خودرو، چیزی فراتر از یک خودروساز است؛ برندی که بیش از یک قرن، طراحی، عملکرد و اشرافیت بریتانیایی

را در کنار هم قرار داده و با حضور در مسابقات و سینما، هویتی متفاوت پیدا کرده است. داستان این شرکت از یک کارگاه کوچک در لندن آغاز شد و به یکی از شناخته‌شده‌ترین نام‌های صنعت خودروی جهان رسید.

آغاز یک رویا

داستان آستون مارتین به سال ۱۹۱۳ بازمی‌گردد؛ زمانی که رابرت بلفورد و لیونل مارتین در لندن با یکدیگر شریک شدند. آنها ابتدا به فروش و تعمیر خودرو مشغول بودند، اما تصمیم گرفتند خودرویی با ویژگی‌های موردنظرشان بسازند. اولین نمونه این همکاری، خودرویی آزمایشی بود که بعدها «Coal Scuttle» نام گرفت. جنگ جهانی اول فعالیت شرکت را متوقف کرد، اما پس از پایان جنگ، آستون مارتین دوباره به تولید و مسابقات بازگشت. حضور در رقابت‌های اتومبیلرانی بخشی از هویت برند شد و بعدها در توسعه خودروهای جاده‌ای نیز نقش داشت.

سال‌های پرفراز و نشیب

دهه‌های اول برای آستون مارتین آسان نبود. شرکت با مشکلات مالی روبه‌رو شد و چند بار مالکیت آن تغییر کرد. با این حال، آستون مارتین در میان سازندگان خودروهای اسپرت بریتانیایی جای گرفت. نقطه عطف مهم در سال ۱۹۴۷ رقم خورد؛ زمانی که دیوید براون، صنعتگر بریتانیایی، آستون مارتین را خرید. براون شرکت لوکسی راگوند تا ر نیز به مجموعه خود اضافه کرد و این دو نام کنار هم قرار گرفتند. از این دوران، حروف «DB» به نشانه محصولات آستون مارتین تبدیل شد.

تولد یک اسطوره

محصول مهم دوره براون، DB2 بود که در سال ۱۹۴۹ معرفی شد. این خودرو ترکیبی از طراحی جذاب، عملکرد مناسب و کیفیت ساخت را ارائه می‌کرد و مسیر تازه‌ای برای برند گشود. در اواخر دهه ۱۹۵۰، آستون مارتین مدل DB4 را معرفی کرد؛ خودرویی که با همکاری استودیوی ایتالیایی کاروزریا تورینگ طراحی شد. DB4 با طراحی و عملکرد بالا، جایگاه آستون مارتین را در بازار خودروهای اسپرت لوکس تثبیت کرد. در همین دوره، موفقیت‌های مسابقه‌ای نیز ادامه داشت. آستون مارتین در سال ۱۹۵۹ با خودروی مسابقه‌ای DBR1 در پیروزی کلی در مسابقه ۲۴ساعته لمان دست یافت و یکی از مهم‌ترین افتخارات شرکت بود.

جیمز باند و شهرت جهانی

شهرت آستون مارتین فقط به خودروهای جاده‌ای و مسابقات محدود نماند. در سال ۱۹۶۴، حضور DB5 در فیلم «Goldfinger» مجموعه جیمز باند، نام این خودرو را به فرهنگ عامه وارد کرد. DB5 با طراحی و تجهیزات ویژه فیلم، به نمادی از خودروهای جاسوسی در سینما تبدیل شد. همکاری آستون مارتین با مجموعه جیمز باند در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت. در دهه‌های بعد، آستون مارتین با مشکلات مالی و تغییر مالکیت روبه‌رو شد. شرکت در مقاطعی زیرمجموعه گروه‌های بزرگ خودروسازی قرار گرفت و سرمایه‌گذاران جدید برای حفظ برند وارد شدند. با وجود این تغییرات، آستون مارتین توانست هویت اصلی خود را حفظ کند؛ هویتی که بر طراحی خاص، تولید محدود، کیفیت و لوکس‌گرایی استوار بود.

در قرن بیستم، آستون مارتین دامنه محصولات خود را گسترش داد. ورود به بازار شاسی‌بلندها با مدل DBX نشان داد حتی یک برند سنتی سازنده خودروهای اسپرت نیز برای رقابت در بازار امروز، باید به تقاضای رو به رشد برای شاسی‌بلندهای لوکس پاسخ دهد. در کنار محصولات تولیدی، پروژه‌های خاص نیز ادامه یافت. والکری، حاصل همکاری آستون مارتین و ردبول، نمونه‌ای از تلاش شرکت برای نزدیک کردن فناوری مسابقه‌ای به خودروهای جاده‌ای بود و جایگاه برند را در خودروهای فوق عملکردی نشان داد.

آستون مارتین امروز

امروز آستون مارتین همچنان بر لوکس‌گرایی و عملکرد بریتانیایی تمرکز دارد. مدل‌هایی مانند Vantage، DB12، Vanquish و DBX707 در سید محصولات آن قرار دارند و والکری نیز نماینده بخش فوق عملکردی شرکت است. آستون مارتین همزمان با توسعه خودروهای بنزینی، به سمت فناوری‌های هیبریدی و برقی حرکت کرده و در کنار هویت سنتی خود، با تغییرات صنعت خودرو هماهنگ می‌شود. با وجود بیش از یک قرن فراز و نشیب، فلسفه اصلی آستون مارتین تغییر چندانی نکرده است؛ ساخت خودروهایی که فقط وسیله جابه‌جایی نیستند؛ ترکیبی از طراحی، عملکرد و انحصار هستند. همین ویژگی باعث شده نام آستون مارتین پس از بیش از ۱۱۰ سال، همچنان یکی از نمادهای شناخته‌شده صنعت خودروی بریتانیا باقی بماند.

منبع: وب‌سایت رسمی شرکت آستون مارتین بخش تاریخچه شرکت



استقبال چشمگیر از نسخه ویژه در بازار ژاپن، هوندا را به عرضه محدود ترغیب کرده است

کوپه هیبریدی با چاشنی قرمز

هوندا پریلود نسخه محدود به اروپا می‌رسد

ترجمه

بازگشت نام پریلود به سید محصولات هوندا در ابتدا با تردیدهایی همراه

بود، اما به نظر می‌رسد حداقل در بازار ژاپن، این کوپه هیبریدی توانسته است توجه مشتریان را جلب کند. حالا استقبال قابل توجه از نسخه ویژه پریلود باعث شده هوندا تصمیم بگیرد این مدل را با ظاهری

متفاوت و امکانات اختصاصی راهی بازار اروپا کند. نسخه Limited Edition پریلود که پیش‌تر در ژاپن معرفی شده بود، قرار است از پاییز امسال به‌عنوان مدل سال ۲۰۲۷ در بازار اروپا عرضه شود.

متفاوت و امکانات اختصاصی راهی بازار اروپا کند. نسخه Limited Edition پریلود که پیش‌تر در ژاپن معرفی شده بود، قرار است از پاییز امسال به‌عنوان مدل سال ۲۰۲۷ در بازار اروپا عرضه شود.

